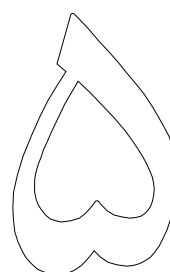


تحولات توسعه‌ای کشورهای منتخب منطقه سند چشم‌انداز ایران و همگرایی اقتصادی منطقه‌ای



میرعبداله حسینی*
بهرام امیراحمدیان**

چکیده

در دهه اول هزاره سوم، کشورهای منتخب منطقه سند چشم‌انداز، تحولات توسعه‌ای سریعی را در حوزه‌های مختلف محیطی، زیرساختی، بخش واقعی اقتصاد، بخش خارجی اقتصاد و به‌ویژه در جذب سرمایه‌گذاری خارجی شاهد بوده‌اند. این تحولات توسعه‌ای به‌توبه خود فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای اغلب کشورهای منطقه، به‌ویژه ایران فراهم آورده است. نکته اساسی و کلیدی آن است که اگر ایران تمهیدات لازم برای حوزه‌های مورد اشاره را فراهم ننماید، بیم آن می‌رود که نه‌تنها به اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ دست پیدا نکند، بلکه شکاف تاریخی توسعه ایران در مقیاس منطقه‌ای (بازیرگان اصلی کلیدی) و جهانی بیشتر شده و روز به روز بر آن افزوده شود. مقاله حاضر در تلاش است با تبیین تحولات توسعه‌ای کشورهای منتخب منطقه مورد نظر سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ برای همگرایی اقتصادی منطقه‌ای، تحولات توسعه‌ای ایران در مقایسه با کشورهای مورد نظر را، اعم از فرصت‌ها، تهدیدها و چالش‌های فراروی ایران، گوشزد نماید.

واژه‌های کلیدی: همگرایی منطقه‌ای، تحولات توسعه‌ای، کشورهای منتخب

منطقه سند چشم‌انداز

* عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی Hosseini.mir2010@gmail.com
** استادیار دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران و پژوهشگر ارشد مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی bahram@amirahmadian.com
تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۲۰
تاریخ پذیرش: ۹۲/۳/۲۰
فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲، صص ۹۹-۱۳۶

مقدمه

در سه دهه گذشته، اقتصاد جهانی شاهد آزادسازی‌های تجاری عظیمی بوده است. این حرکت که اساساً از ابتدا با شکل‌گیری موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) آغاز و هم‌اینک نیز توسط سازمان جهانی تجارت^۱ دنبال می‌شود، توانسته تأثیر شدیدی بر آزادسازی‌ها و باز نمودن اقتصادها برجای بگذارد. در این راستا، جهان شاهد ترتیبات تجاری منطقه‌ای^۲ با اشکال مختلف بوده که در مجموع سهم به‌سزایی در شتاب بخشیدن به روند آزادسازی‌ها داشته است. منطقه‌گرایی به‌طور چشمگیری طی پنج دهه گذشته، به‌ویژه از دهه ۱۹۹۰ رو به افزایش گذاشته و هم‌اکنون، بسیاری از کشورها در ترتیبات تجاری منطقه‌ای متعددی عضویت دارند. طولانی‌شدن آخرین دور مذاکرات گات، کشورهایی را که خواهان تحقق آزادسازی در آن قالب نبودند، بر آن داشت تا به منطقه‌گرایی به‌عنوان راه‌حلی برای غلبه بر دشواری‌های اقتصاد و تجارت روی آورند؛ چرا که آزادسازی به‌شیوه منطقه‌گرایی کم‌هزینه‌تر و قابل دسترس‌تر از جهانی‌شدن است. علاوه بر این منطقه‌گرایی برای کشورهای در حال توسعه اسلامی می‌تواند به‌عنوان میدان آزمایشی اولیه برای ورود به صحنه رقابت‌های بین‌المللی باشد (حسینی، ۱۳۸۴: ۵-۱). هم‌اینک فرایند جهانی‌شدن با روند منطقه‌گرایی در مناطق مختلف جهان همسو شده است. تحولات کنونی از جمله گسترش سازمان‌های غیردولتی در کنار دولت‌ها، گسترش ارزش‌های مشترک انسانی، فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات و دگرگونی در مفاهیم سنتی

1. General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)
2. World Trade Organization (WTO)
3. Regional Trade Agreements (RTAs)



مثل جغرافیا، امنیت، قدرت، حاکمیت و منافع ملی، فضای جدیدی را برای منطقه‌گرایی در عصر جهانی شدن فراهم کرده است. جهانی شدن اقتصاد، فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را در مسیر تلاش کشورهای در حال توسعه برای رشد اقتصادی به همراه داشته و این کشورها ناگزیر هستند برای بهره‌گیری بهینه از فرصت‌ها و غلبه بر چالش‌های آن، چاره‌اندیشی نمایند.

گفتنی است در یکی از محورهای برنامه چهارم توسعه، اقتصاد ایران بایستی در تعامل با اقتصاد جهانی قرار گرفته و به ارتقای رقابت‌پذیری خود به منظور بهره‌مندی از فرصت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی پردازد. به همین منظور، گسترش بازارها در منطقه و شکل‌گیری مبادلات تجاری منطقه‌ای و بین‌المللی، سیاست‌هایی نظیر همکاری در روابط تجارت‌خارجی با هدف گسترش پیوندهای منطقه‌ای و جهانی، رفع موانع تجاری غیر تعرفه‌ای و برقراری نظام تعرفه‌ای مناسب و ایجاد تسهیلات اداری، گمرکی و قضایی برای تسهیل تجارت خارجی پیش‌بینی شده است.

مقاله حاضر، به بررسی تحولات توسعه‌ای (محیطی، زیرساختی، اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری خارجی) کشورهای منتخب منطقه سند چشم‌انداز برای همگرایی اقتصادی منطقه‌ای می‌پردازد. این شاخص‌ها روی هم رفته، جایگاه توسعه اقتصادی این کشورها را نمایان می‌سازد.

منظور از کشورهای منطقه سند چشم‌انداز در این مقاله، بیش از بیست کشور در حال توسعه منطقه شامل آذربایجان، اردن، ارمنستان، ازبکستان، افغانستان، امارات، بحرین، پاکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ترکیه، رژیم صهیونیستی، سوریه، عراق، عربستان، عمان، قزاقستان، قطر، کویت، گرجستان، لبنان و یمن است که از این بین، تعداد هشت کشور ترکیه، پاکستان، قزاقستان، آذربایجان (چهار عضو اکو) و عربستان سعودی، امارات متحده عربی (دو عضو شورای همکاری خلیج فارس) و رژیم صهیونیستی به همراه ایران که با جمیع جهات بازیگران مهم بالفعل و بالقوه در منطقه شناخته می‌شوند، برای مطالعه تطبیقی حاضر انتخاب شده است.

منظور از جایگاه توسعه اقتصادی، در واقع مجموعه شاخص‌ها و متغیرهای اقتصادی است که موقعیت و جایگاه کشورهای منتخب را به نمایش می‌گذارد و بر

جذب سرمایه‌گذاری داخلی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (اف.دی.ای)^۱ تأثیر گذاشته و آنگاه رشد و توسعه اقتصادی را به‌ارمغان می‌آورد. در این راستا، مجموعه شاخص‌های چندگانه محیطی، اقتصادی و تجاری در مورد ایران و کشورهای منتخب شامل ترکیه، مصر، عربستان سعودی، آذربایجان، امارات، پاکستان، قزاقستان، و رژیم صهیونیستی بررسی شده و نهایتاً وضعیت این کشورها از نظر شاخص عملکرد بالقوه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مطالعه می‌شود. در انتخاب شاخص‌ها، ویژگی‌هایی بدین شرح مدنظر قرار گرفته است: نخست اینکه تا حد ممکن کلان و کلی‌نگر باشند تا خرد و جزئی‌نگر؛ دوم اینکه از شاخص‌های بین‌المللی استفاده شود که امکان مقایسه برای کشورها را فراهم سازد؛ سوم اینکه مرتبط با آرمان سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ باشد؛ چهارم اینکه در سطح منطقه و به‌خصوص برای ایران در دسترس و یا قابل محاسبه باشد؛ پنجم اینکه در موارد جدلی برای انتخاب شاخص‌های ارزیابی اقتصادی اعم از متغیرهای مقیاس، وضعیت و روند، در قالب سایر شاخص‌های مرتبط انعکاس یابد.

مقاله حاضر تلاش دارد به این پرسش کلیدی پاسخ دهد که آیا همگرایی اقتصادی منطقه‌ای با تحولات توسعه‌ای کشورهای منتخب منطقه سند چشم‌انداز همسو بوده است؟ در واقعچه میزان تحولات توسعه‌ای کشورها از همگرایی اقتصادی منطقه‌ای متأثر شده است؟ در همین راستا، شاخص‌های استفاده‌شده متشکل از سه دسته محیط اقتصادی، بخش واقعی اقتصاد و بخش خارجی اقتصاد است. شاخص‌های محیط اقتصادی شامل: ۱- شاخص رقابت‌پذیری جهانی؛ ۲- شاخص آزادی اقتصادی؛ ۳- شاخص محیط کسب‌وکار؛ ۴- شاخص خدمات پشتیبانی تجاری است.

شاخص‌های بخش واقعی اقتصاد در دو حوزه عملکرد و ساختار؛ شامل: ۱- تولید ناخالص داخلی بر اساس پی.پی.پی.^۲ و سهم آن از تولید ناخالص جهانی؛ ۲- تولید ناخالص داخلی سرانه بر اساس پی.پی.پی؛ ۳- نسبت تشکیل سرمایه ناخالص به تولید ناخالص داخلی؛ ۴- سهم ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی،

1. Foreign Direct Investment (FDI)
2. Purchasing Power Parity (PPP)

به‌ویژه صنایع کارخانه‌ای از تولید ناخالص داخلی؛ ۵- سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی است.

شاخص‌ها و متغیرهای تجاری نیز شامل این موارد می‌شود: ۱- سهم صادرات غیرنفتی از صادرات؛ ۲- اندازه تجارت و سهم آن از تجارت جهانی؛ ۳- شاخص بازبودن اقتصاد (مجموع حجم تجارت از تولید ناخالص داخلی)؛ ۴- رابطه مبادله تجاری؛ ۵- شاخص تمرکز صادرات؛ ۶- تراز حساب جاری و حساب جاری غیرنفتی؛ ۷- سهم صادرات محصولات صنایع کارخانه‌ای به صادرات؛ ۸- سهم صادرات کالاهای با فناوری بالا به صادرات؛ ۹- نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی به کل آن در جهان. این شاخص، به‌نحوی عملکرد بالفعل کشورها را در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز نشان می‌دهد.

۱. مفهوم منطقه‌گرایی و اشکال و سطوح همگرایی منطقه‌ای

عنصر کلیدی در تعریف مفهوم منطقه‌گرایی و همگرایی منطقه‌ای، مفهوم «منطقه» است که روشن‌شدن آن در فهم مفهوم منطقه‌گرایی و همگرایی منطقه‌ای ضروری است. از منطقه به‌عنوان گروهی از کشورها که در یک چارچوب حقوقی و به‌صورت نامحدود در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه‌های اقتصادی با یکدیگر همکاری نموده و به‌تدریج همکاری‌های خود را توسعه و تکامل می‌بخشند، یاد شده است (Sheila, 2000: 5). بر اساس این تعریف، همکاری‌هایی که کشورها به‌صورت محدود و به‌طور موقت با یکدیگر انجام می‌دهند، از دامنه شمول مفهوم منطقه‌گرایی خارج می‌شوند. بر این اساس، منطقه‌گرایی خصلت پایدار داشته و در آن افق درازمدتی برای همکاری کشورها در نظر گرفته می‌شود. منطقه‌گرایی همچنین اغلب جنبه تکاملی داشته و سطح و دامنه همکاری‌ها به‌تدریج گسترش و تعمیق می‌یابند.

منطقه‌گرایی، بسته به دامنه و عمق همکاری‌های کشورهای عضو، در اشکال متفاوتی ظهور می‌یابد. یکی از ابتدایی‌ترین سطوح و اشکال ترتیبات تجاری منطقه‌ای، «موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی»^۱ است که شرکت‌کنندگان در چنین ترتیباتی به



کاهش موانع تجاری؛ شامل تعرفه‌ها و موانع غیر تعرفه‌ای، در ارتباط با بخشی از تجارت یکدیگر اقدام می‌کنند. چنین ترتیباتی به دلیل مجاز نبودن کشورهای توسعه‌یافته به عضویت در آنها براساس مقررات سازمان جهانی تجارت، اغلب در بین کشورهای در حال توسعه شکل گرفته‌است که از آن میان می‌توان به «نظام جهانی ترجیحات تجاری»^۱ بین تعدادی از کشورهای در حال توسعه اشاره کرد (۱). در یک سطح بالاتر از موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی، مناطق آزاد تجاری^۲ قرار دارند که متداول‌ترین شکل ترتیبات تجاری منطقه‌ای به‌شمار می‌آیند. در این نوع از ترتیبات منطقه‌ای، کشورهای عضو، به حذف موانع تجاری در ارتباط با تقریباً تمام و یا حجم عمده تجارت یکدیگر اقدام می‌کنند. معمولاً کشورهایی که موافقتنامه‌های تجارت آزاد منعقد می‌کنند، تعهدات آزادسازی خود را در یک دوره انتقالی به اجرا در می‌آورند و تحقق یک منطقه آزاد تجاری عملاً ممکن است ده تا دوازده سال به طول انجامد. امروزه بسیاری از موافقتنامه‌های تجارت آزاد از صرف آزادسازی تجارت کالا بین کشورهای عضو فراتر رفته و دامنه تعهدات خود را به حوزه تجارت خدمات نیز گسترش داده‌اند. به علاوه تعداد زیادی از موافقتنامه‌های تجارت آزاد در جهان ضوابط و موازینی را در زمینه حقوق مالکیت فکری، سرمایه‌گذاری، سیاست رقابتی، خریدهای دولتی، حقوق کارگران و همکاری در دیگر زمینه‌های مرتبط با تجارت اعمال می‌نمایند. به‌طور تاریخی منطقه اروپا و حوزه مدیترانه بیشترین تعداد ترتیبات تجارت آزاد را در خود جای داده، به‌گونه‌ای که سهم این منطقه از ترتیبات منطقه‌ای پنجاه درصد است (3: WTO, 2000).

از آنجا که حجم آزادسازی تجاری و مبادله ترجیحات در چارچوب موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی و تجارت آزاد فراتر از آزادسازی تجاری در قالب چندجانبه (سازمان جهانی تجارت) و مبتنی بر اصل دولت کامله‌الوداد^۳ می‌باشد و همچنین به این دلیل که در این نوع ترتیبات و در این سطح از همکاری‌های تجاری، اعضا هنوز از سیاست تجارت مستقل در قبال کشورهای غیرعضو برخوردار

1. Global System of Trade Preferences (GSTP)

2. Free Trade Area (FTA)

3. Most Favorite Nations (MFN)

می‌باشند، ضرورت می‌یابد تا سازوکاری به‌منظور تضمین این نکته که ترجیحات در عمل صرفاً به کشورهای عضو تعلق می‌یابند، تدوین شود. در این ارتباط همه موافقت‌نامه‌ها دارای سازوکار قواعد مبدأ، که شامل معیارهایی برای تعیین مبدأ کالایی که مشمول ترجیحات هستند، می‌باشند. بدین ترتیب قواعد مبدأ از صدور مجدد کالاها توسط یکی از اعضای چنین ترتیبی، که ممکن است تعرفه‌های پایین‌تری در مقایسه با دیگر اعضا برای محصولات صادراتی غیرعضو اعمال کند، جلوگیری می‌کند.

پس از مناطق آزاد تجاری، شکل پیشرفته‌تر همگرایی منطقه‌ای، تأسیس «اتحادیه گمرکی» است. اتحادیه گمرکی یک نوع ترتیب منطقه‌ای است که اعضا، علاوه بر حذف موانع تجاری در بین یکدیگر، به اتخاذ سیاست تجاری مشترک در قبال کشورهای غیرعضو اقدام می‌کنند. در این نوع همگرایی منطقه‌ای که نیازمند صرف‌نظر کردن از بخش بیشتری از حاکمیت ملی است، کشورهای عضو اختیار تدوین مستقل سیاست تجاری خود را در سطح ملی از دست داده و به اتفاق دیگر اعضا، سیاست تجاری یکسانی را در قبال غیراعضا اتخاذ می‌کنند. هرچند در اتحادیه گمرکی به دلیل مرتفع شدن نگرانی صادرات مجدد کالا که در مناطق آزاد تجاری وجود دارد، تشریفات نقل و انتقال کالا ساده‌تر می‌شود، ولی مشکلات و پیچیدگی‌های جدیدی ظهور می‌یابند. از آن جمله می‌توان به دشواری تعیین سیاست تجاری مشترک در قبال غیراعضا، به دلیل منافع متفاوت و بعضاً متضاد اعضا و همچنین ضرورت ایجاد سازوکارهای توزیع درآمدهای گمرکی بین اعضا اشاره کرد که زمینه اصطکاک منافع را بین کشورهای عضو افزایش می‌دهد. در برخی از مناطق دنیا نیز بعضی از ترتیبات منطقه‌ای به‌صورت ناقص به اتخاذ سیاست تجاری مشترک در قبال کشورهای غیرعضو اقدام کرده‌اند. در مناطق پیرامونی ایران، شورای همکاری خلیج فارس تا سال ۲۰۰۵، برنامه تأسیس اتحادیه گمرکی را در دستور کار خود داشته و ترکیه نیز با وجود عضویت در اکو، در سال ۱۹۹۶ با اتحادیه اروپا موافقتنامه اتحادیه گمرکی منعقد کرده و همچنان در جهت عضویت در اتحادیه اروپا تلاش می‌کند.



از دیگر اشکال تکامل یافته همگرایی منطقه‌ای می‌توان به «بازار مشترک»^۱ اشاره کرد. در بازار مشترک، اعضا به آزادسازی جابه‌جایی عوامل تولید در بین یکدیگر اقدام می‌کنند. پس از بازار مشترک در عالی‌ترین سطوح همگرایی می‌توان «اتحادیه اقتصادی»^۲ را نام برد. در اتحادیه‌های اقتصادی، اعضا علاوه بر تأمین بازار مشترک در بین خود به هماهنگی و یکسان‌سازی سیاست‌های پولی، مالی، صنعتی، حمل‌ونقل و دیگر سیاست‌ها اقدام می‌کنند. این سطح از همگرایی علاوه بر آن‌که نیازمند سطح بالایی از اراده سیاسی برای نیل به یکپارچگی در بین اعضا است، درجه بالایی از تجانس اقتصادی و همگونی شاخص‌های اقتصادی اعضا را طلب می‌کند (حسینی، ۱۳۹۰، ۹-۱۲).

۲. شاخص‌های محیط اقتصادی کشورهای منتخب منطقه چشم‌انداز و ایران

بر اساس نظریه اقتصادی شاخص‌های محیط اقتصادی، شامل مواردی می‌شود که بر تصمیم سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی تأثیر می‌گذارد. شاخص‌های محیط اقتصادی خوب، نشان از مزیت‌های مکانی دارد و لذا موجب ترغیب شرکت‌های فراملی برای انجام سرمایه‌گذاری خارجی می‌شود. شاخص‌های اقتصادی منتخب، متشکل از شاخص‌های محیط اقتصادی است که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم. در این بررسی شاخص‌های ارزیابی محیط اقتصادی، برای سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۹۰ تدوین شده است.

۱-۲. شاخص رقابت‌پذیری جهانی

توان رقابت به چهار سطح اصلی تقسیم می‌شود. بدین صورت که، توان رقابت یا در مورد واحد اقتصادی به کار می‌رود و یا درباره مناطق اقتصادی. هر کدام از دو مقوله بالا در سطوح خرد و کلان قابل بحث‌اند. از این میان، توان رقابت اقتصاد در سطح ملی؛ یعنی توانایی یک ملت در حفظ یا افزایش سهم صادرات در بازار جهانی و به‌طور هم‌زمان حفظ یا ارتقای سطح زندگی شهروندان در درازمدت. مطابق نظریه پورتر (۲)، ریشه و ابعاد توان رقابت بنگاه‌ها که سطح و رشد بهره‌وری را در اقتصاد

1. Common Market

2. Economic Union

تعیین می‌کند، عبارتند از: اطلاعات و ویژگی نهادها و عوامل تولید؛ دسترسی به صنایع مرتبط و زیرساخت‌های پشتیبان و مکمل؛ ساختار بنگاه‌ها برای انعطاف و خلاقیت؛ و شرایط تقاضا و بازار داخلی. در مقابل، ادعای اصلی کروگمن و برخی از مخالفان دیدگاه توان رقابت، آن است که این مفهوم تنها برای بنگاه‌ها و در سطح خرد اقتصاد قابل کاربرد است؛ زیرا کشورها به معنایی که بنگاه‌ها رقابت می‌کنند، با یکدیگر به رقابت بر نمی‌خیزند. اما پاسخ پورتر، همچنان این دیدگاه را به‌عنوان مطرح‌ترین و قابل‌دفاع‌ترین نگرش معرفی کرده است. بر اساس این نگرش مسلط، کلیدی‌ترین عوامل رشد توان رقابت اقتصاد ملی به‌شرح زیر است: کارایی سیاست‌های ارزی و پولی؛ نقش نهادها؛ نقش متناسب و اثربخشی دولت؛ فناوری و خوشه‌ها؛ زیرساخت‌های کسب‌وکار، دانش و سرمایه انسانی (حسینی، ۱۳۹۰: ۸۷-۸۸).

فرایندهایی که یک ملت، مزیت‌های رقابتی خود و شیوه‌های رقابت را برمی‌گزیند، طی مراحل توسعه متحول می‌شود. منابع مزیت رقابتی در مراحل توسعه (مبتنی بر عامل تولید، سرمایه‌گذاری و نوآوری) متفاوت خواهد بود. این چارچوب اقتصاد جهانی، موجب رفع سریع‌تر برخی مشکلات ساختاری اقتصادها شده و هم‌زمان با منافع و فرصت‌های بسیار، مخاطرات و هزینه‌هایی را بر اقتصادها، به‌ویژه از طریق جریان‌های ناعادلانه برای کشورهای در حال توسعه دارد. یکی از راه‌های بهره‌مندی بیشتر اقتصادها از مزایای جهانی‌شدن، توجه به این نکته است که اقتصاد مبتنی بر دانش، تنها شامل مجموعه‌ای از صنایع با فناوری بالا نمی‌شود، بلکه شامل مجموعه‌ای از منابع جدید برای مزیت‌های رقابتی است که در تمام صنایع و نیز خدمات و کشاورزی کاربرد دارد؛ بنابراین موضوع اصلی در این نگرش (عصر جهانی‌شدن)، نه بر محور مواد تولیدی نوین، بلکه ناظر به شیوه‌های بالاتر و جدیدتر در تولید و رشد اقتصاد است.

با دقت در گزارش رقابت‌پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد (۳)، تحلیل‌ها در سیزده بخش سازمان یافته که دوازده بخش از آن مرتبط با شاخص رقابت‌پذیری جهانی است. این دوازده بخش عبارت است از: نهادها، زیرساخت‌ها، ثبات محیط اقتصاد کلان، بهداشت و آموزش ابتدایی، تحصیلات عالی و آموزش، کارایی بازار

کالاها، کارایی بازار نیروی کار، پیشرفت بازار مالی، آمادگی جذب فناوری، اندازه بازار، بهبود فضای کسب و کار، ابداع و فناوری.

در مورد شاخص رقابت‌پذیری اقتصاد جهانی، سنجش رقابت‌مندی در شش سطح میسر است. نخستین و جزئی‌ترین سطح، مشتمل بر ۱۲۲ شاخص متنوع و متعدد اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، سیاسی و ... است. دومین سطح، هشت حوزه مشتمل بر اثربخشی استراتژی و برنامه عمل، عملکردهای سازمانی، بین‌المللی‌سازی بنگاه‌ها از منظر بنگاه‌ها و نیز زیرساخت‌های نوآوری، بازار سرمایه، اداری، ارتباطات و تدارکات از منظر شرایط نهادها و عوامل تولید است. سومین سطح، نه حوزه مشتمل بر سیاست‌های پولی و مالی از سیاست اقتصادکلان، نقش قانون، نهادهای سیاسی و ظرفیت انسانی از نهادهای سیاسی و زیرساخت‌های اجتماعی و شرایط تقاضا، حمایت و ارتباط صنایع و خوشه‌ها، اوضاع و احوال استراتژی و رقابت از شرایط عوامل و نهادهاست. چهارمین سطح، مجموع چهار حوزه کلی سیاست‌های کلان، نهادهای سیاسی و زیرساخت‌های اجتماعی، محیط کسب‌وکار ملی و استراتژی و برنامه عمل بنگاه‌هاست. پنجمین سطح، دربرگیرنده رقابت‌مندی اقتصادکلان و اقتصاد خرد است که منجر به محاسبه شاخص رقابت‌پذیری کشورها در جهان (ششمین سطح) می‌شود.

براساس گزارش سالانه رقابت‌پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، بالاترین بهبود در شاخص رقابت‌پذیری جهانی در منطقه به جمهوری آذربایجان تعلق دارد. رتبه شاخص رقابت‌پذیری جهانی آذربایجان با ۱۸ رتبه بهبود، از ۶۹ در سال ۲۰۰۸-۹ به ۵۱ در سال ۲۰۰۹-۱۰ ارتقا یافته است. ایران با احراز رتبه ۶۹ در رقابت‌پذیری جهانی در بین ۱۳۹ کشور در سال ۲۰۱۰، در مرحله گذار از اقتصاد مبتنی بر منابع، به اقتصاد مبتنی بر کارایی است. تحلیل نتایج شاخص رقابت‌پذیری اقتصاد ایران در جهان نشان می‌دهد که مجموع ابعاد توان رقابت جهانی در اقتصاد کشور از بیشتر کشورهای در حال توسعه منطقه پایین‌تر بوده و مناسبتی با سطح درآمد ناخالص داخلی کشور ندارد. با این حال از یک‌سو، در ارزیابی معیارهای به‌دست آمده برای اقتصاد ایران، زیرساخت‌های عمومی کشور و زمینه‌های فناوری ارتباطات، قابلیت خوبی برای تقویت توان رقابت داشته و از

سوی دیگر گرایش و حرکت اندک شرکت‌ها به سوی فناوری‌های نوین و خلاقیت، یک نقطه ضعف به‌شمار می‌رود. همچنین نهادهای بخش عمومی اقتصاد و اجرای قانون، به‌عنوان مانع مهمی برای توان رقابت کشور و بنگاه‌های آن مطرح است. وضعیت اقتصاد ایران در حد کشورهای با درآمد پایین است که بیشتر بر منابع طبیعی و قیمت‌های پایین تولیدات (ناشی از ارزانی نیروی کار و نرخ‌های حمایتی و یارانه‌ای) خود متکی هستند. معیار عملکرد مؤسسات علمی و پژوهشی کشور و متناسب بودن بازارهای مالی با شرایط توسعه‌ای و انعطاف‌پذیری آنان، در سطح کشورهای با درآمد پایین قرار دارد.

همچنین بی‌طرفی و استقلال قوه قضائیه، امتیازی کمتر از متوسط جهانی و کمتر از میانگین کشورهای با درآمد متوسط دارد. از دیگر مظاهر ضعف توان رقابت اقتصاد ایران، می‌توان به روند کند افزایشی در مورد نرخ بهره‌وری نیروی کار اشاره کرد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۱۱-۲۱۷).

۲-۲. شاخص آزادی اقتصادی

در عصر جهانی شدن، توسعه اقتصادی دیگر یک مقوله صرفاً ملی نیست و کشورها برای دستیابی به سطح مطلوبی از توسعه و رفاه ملی، به‌ناچار باید زمینه‌های برخورداری از امکانات و منابع بین‌المللی را فراهم نمایند. چگونگی تمهید این سازوکار جهت استفاده از منابع جهانی و منطقه‌ای از جمله مهم‌ترین مقولاتی است که امروزه پیش‌روی تمامی کشورها، به‌ویژه اقتصادهای در حال توسعه و بالادست کشورهای منطقه قرار دارد. طی دو دهه گذشته، بسیاری از کشورهای جهان، از جهانی شدن اقتصاد متأثر شده‌اند. فراگیری توسعه تجارت بین‌الملل به‌گونه‌ای اتفاق افتاده که گسترش رقابت بین‌المللی بین کشورهای صنعتی از یک‌سو، و بین کشورهای صنعتی و اقتصادهای آسیایی تازه صنعتی شده از دیگر سو را به‌دنبال داشته است. جهانی شدن در سلیقه‌ها، سرمایه‌گذاری و تجارت بین‌الملل و حتی در بازار نیروی کار اثر گذاشته و رقابت بین‌الملل را گسترش داده است. از نظر شرکت‌های چندملیتی، بر اساس شاخص بالقوه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اگر کشور میزبانی از شاخص‌های بازبودن بالاتری برخوردار باشد، شرایط

آن اقتصاد به‌گونه‌ای است که شرکت چندملیتی قادر است از مزایای بازبودن اقتصاد استفاده نماید. بنیاد هریتیج^۱، شاخص آزادی اقتصادی (امتیاز کل و رتبه) و اجزای ده‌گانه آن را برای ۱۵۷ کشور جهان، از جمله کشورهای منطقه، در سال ۲۰۰۷ برآورد کرده است. مطابق این گزارش، ارزش عددی شاخص آزادی اقتصادی که بین صفر و صد قرار دارد، در پنج گروه دسته‌بندی می‌شوند:

الف و ب - اقتصادهای آزاد و عمدتاً آزاد: ارزش عددی شاخص آزادی اقتصادی این دو دسته، به‌ترتیب بین ۱۰۰ و ۸۰ و ۷۹/۹ و ۷۰ واقع است. هیچ اقتصادی از کشورهای مورد مطالعه در این دسته قرار ندارد.

ج - اقتصادهای نسبتاً آزاد: ارزش عددی شاخص آزادی اقتصادی این دسته، بین ۶۹/۹ و ۶۰ است. اقتصاد یازده کشور منطقه از جمله رژیم صهیونیستی، امارات متحده عربی و قزاقستان در این گروه قرار دارند.

د - اقتصادهای عمدتاً غیرآزاد: ارزش عددی شاخص آزادی اقتصادی این دسته، بین ۵۹/۹ و ۵۰ است. ۹ کشور از منطقه در این گروه قرار دارند که از آن جمله می‌توان به ترکیه، عربستان سعودی، پاکستان و آذربایجان اشاره کرد.

ه - اقتصادهای غیرآزاد یا سرکوب‌شده: ارزش عددی شاخص آزادی اقتصادی این دسته، بین ۴۹/۹ و صفر است. مطابق این گزارش ایران در این گروه قرار دارد.

بسیاری از کشورهای منطقه که بالاترین درجه آزادی اقتصادی دارند، در حاشیه جنوبی خلیج فارس واقع هستند و عموماً از سیاست‌های پولی، بانکی و حقوق مالکیت فکری بهتر از دیگر کشورها برخوردارند (۴). ایران با کسب رتبه ۱۵۰ در بین کشورهای جهان، در انتهای رتبه‌بندی کشورهای منطقه واقع شده‌است. مطابق این بررسی، ایران موقعیت ضعیفی از لحاظ آزادی اقتصادی حتی در بین کشورهای منطقه خاورمیانه و آسیای جنوب غربی دارد. در ایران، استفاده از مقررات کنترل اقتصادی، ابزار سیاست تجاری و یارانه‌ها و حمایت از صنایع در همه سطوح، به‌نحو چشمگیری اعمال می‌شود.

۳-۲. شاخص بهبود محیط کسب و کار

گزارش شاخص بهبود محیط کسب و کار که از سال ۲۰۰۴ به وسیله بانک جهانی تهیه می‌شود، با اعلام ده نماگر برای هر کشور، به بررسی محیط کسب و کار و سهولت راه‌اندازی فعالیت‌های اقتصادی جدید، چگونگی اجرای قراردادها و هر آنچه که از نظرگاه طراحان این گزارش به فراهم‌سازی و روان‌سازی محیط کسب و کار برای فعالان اقتصادی مربوط است، می‌پردازد. در تعریف بانک جهانی از این شاخص، محیط کسب و کار به همه چیزهایی اطلاق می‌شود که تحت تسلط و در اختیار مدیر بنگاه نیست؛ محیطی که نه تنها بر عملکرد بخش خصوصی اثر مستقیم می‌گذارد، بلکه می‌تواند سبب شکست یا موفقیت خصوصی‌سازی و نظیر آن شود. این‌گونه شاخص‌ها از آن جهت اهمیت دارند که نشان‌دهنده چگونگی حرکت و روند کشورها و شرایط رقابت جهانی در زمینه ایجاد فضای مناسب برای سرمایه‌گذاری و تجارت هستند. به نوعی، این‌گونه شاخص‌ها را می‌توان دماسنج اصلاحات اقتصادی در کشورها دانست؛ به طوری که بهبود در مسیر این شاخص‌ها می‌تواند به‌عنوان علامتی برای سرمایه‌گذاران جهانی به‌منظور انتقال سرمایه و کسب و کار خود به کشور تلقی شود. همچنین این‌گونه شاخص‌ها به‌عنوان شاخص‌های پیشرو مطرح می‌شوند. به عبارت دیگر، کشورهای که در این شاخص‌ها بهبود پیدا می‌کنند، اندکی بعد در فضای اقتصاد جهانی و رشد اقتصادی و رفاه ملی نیز به پیشرفت‌های خیره‌کننده‌ای دست می‌یابند. از این‌رو، با اندکی اغماض می‌توان از این‌گونه شاخص‌ها به‌عنوان شاخص‌های پیش‌بینی‌کننده آینده اقتصادی کشورها نام برد.

بررسی اوضاع کسب و کار در کشورهای منطقه نشان می‌دهد کشورهای منطقه با شتاب بی‌سابقه‌ای در حال بهبود فضای کسب و کار هستند. گزارش ۲۰۱۰ از اوضاع کسب و کار حاکی از بهبود پنج رتبه‌ای ایران از نظر تسهیل فعالیت‌های اقتصادی است، اما در عین حال نشان می‌دهد که ایران در بین ۱۸۳ کشور جهان در رتبه ۱۳۷ قرار گرفته که این رتبه تقریباً با رتبه دو سال پیش ایران که ۱۳۸ بود، هم‌سطح است. در این بین، عربستان با احراز رتبه ۱۳ در جهان، مقام اول را در منطقه داراست. در این رتبه‌بندی، امارات رتبه ۳۳، آذربایجان ۳۸ و ترکیه رتبه ۷۳ را احراز کرده‌اند.

این شاخص بر اساس ده معیار سهولت آغاز فعالیت اقتصادی، مراحل قانونی شروع، شرایط استخدام و تعدیل نیروی کار، مراحل ثبت املاک، کسب اعتبارات بانکی، میزان حمایت از سرمایه‌گذار، میزان و سهولت پرداخت مالیات، قوانین مربوط به تجارت برون‌مرزی، واردات و صادرات، زمان لازم جهت رسیدگی به دعوی بازرگانی و قوانین مربوط به ورشکستگی مشخص می‌شود. مطلوب‌ترین کشور خاورمیانه از نظر فضای کسب‌وکار، عربستان سعودی است که در طبقه‌بندی جهانی نیز با کسب رتبه ۱۳ از جایگاه ممتازی برخوردار است. هرچند اصلاح موانع انجام کسب‌وکار به‌تنهایی متضمن گذر از تنگناهای اقتصادی نیست، اما می‌تواند کارایی بنگاه‌های اقتصادی در مواجهه با بحران‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. اهمیت سهولت کسب‌وکار، به‌ویژه برای بنگاه‌های کوچک و متوسط به‌حدی است که کشورهای چین، کره و مالزی، اصلاح این قوانین را در شمار برنامه‌های خود جهت بهبود اوضاع اقتصادی قرار داده‌اند. شاید به‌همین دلیل است که بیشترین میزان اصلاح قواعد و قوانین کسب‌وکار از سال ۲۰۰۴ تا به‌حال، طی سال‌های پس از بروز بحران مالی جهانی اتفاق افتاده است. براساس این گزارش، آنچه که باعث بهبود پنج پله‌ای تسهیل کسب‌وکار در ایران شده، عبارت از سه عامل تسهیل فرایند صدور مجوز ساخت‌وساز توسط شهرداری‌ها، بهبود فرایند ثبت شرکت‌ها و کوتاه شدن فرایند ترخیص کالا است. در عین حال، این گزارش نشان می‌دهد که برخی شاخص‌های محاسبه فضای کسب‌وکار در جهت معکوس حرکت کرده‌اند که نمونه آن، فرایند اخذ وام توسط فعالان اقتصادی است که چهارپله بدتر شده است.

در مورد گزارش اخیر، هرچند در گزارش تصریح شده که وضعیت فضای کسب‌وکار در ایران نسبت به سال گذشته از رتبه ۱۴۲ به رتبه ۱۳۷ بهبود یافته، اما این برای کشوری که در افق ۱۴۰۴ می‌خواهد به شکوفاترین و قدرتمندترین کشور منطقه تبدیل شود، بسیار ناکافی است. این امر بیش از هر چیز دیگر، نشان از این دارد که متأسفانه رسیدن به اهداف عالی‌ای که در سند چشم‌انداز کشور ترسیم و طراحی شده‌اند، با روند پیش روی نه‌تنها دشوار است، بلکه حتی حفظ جایگاه موجود نیز چندان راحت نخواهد بود؛ چرا که به‌طور مثال در همین شاخص فضای کسب‌وکار، ایران در منطقه خاورمیانه تنها قبل از سوریه (۱۴۳) و عراق (۱۵۳) و

پایین‌تر از تمامی دیگر کشورهای منطقه قرار گرفته است.

نکته‌ای که بیش از هر چیز دیگری نگران‌کننده می‌نماید، این است که ایران با تمرکز بر ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی که بر خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی تأکید دارد، نتوانسته است شرایط و محیط کسب‌وکار را که مهم‌ترین شاخص در موفقیت یا عدم موفقیت بخش خصوصی است، اصلاح کند و با ارائه آزادی‌های لازم برای فعالیت‌های اقتصادی، زمینه را برای خصوصی‌سازی هموار سازد. به نظر می‌رسد که این عدم توجه به فضای کسب‌وکار، به پاشنه آشیل سایر اصلاحات اقتصادی، نظیر خصوصی‌سازی تبدیل خواهد شد که هدف سیاست‌گذاران را از انجام این‌گونه اصلاحات برآورده نخواهد ساخت؛ بنابراین، برای رسیدن به اهداف اقتصادی، بیش از هر اصلاح دیگری باید نسبت به اعطای آزادی‌های اقتصادی و تسهیل فرایند کسب‌وکار آحاد مردم اهتمام ورزید و در عین حال با خصوصی‌سازی، به تصدی‌گری‌های دولتی پایان داد. هیچ‌یک از اینها بدون دیگری، سیاستی معطوف به توسعه اقتصادی سریع نیست.

۴-۲. شاخص عملکرد خدمات پشتیبانی تجاری

شاخص عملکرد پشتیبانی بانک جهانی، عملکرد کشورها را در شش زمینه که مهم‌ترین ابعاد محیط پشتیبانی حاضر را نشان می‌دهند، اندازه‌گیری می‌کند. این شش مؤلفه عبارتند از: کارآمدی فرایند ترخیص گمرکی؛ کیفیت زیرساخت‌های تجارت و حمل‌ونقل، سهولت انجام حمل‌ونقل با قیمت رقابتی، ظرفیت و کیفیت خدمات پشتیبانی، امکان ردیابی یا ردگیری محموله‌ها، و میزان تحویل به‌موقع محموله‌ها. رتبه و ارزش عددی (امتیاز) شش نماگر بالا برای کشورهای منتخب منطقه سند چشم‌انداز از ۱ (نازل‌ترین یا بدترین سطح) تا ۵ (بالا‌ترین یا بهترین سطح) مقیاس‌بندی شده در جدول ۱ انعکاس یافته است. نتایج حاصل از جدول گویای این است که:

الف- رتبه و ارزش عددی ایران در شش مؤلفه شاخص عملکرد خدمات پشتیبانی تجاری شامل کارآمدی فرایند ترخیص گمرکی (۱۰۶ و ۲/۲۲)، کیفیت زیرساخت‌های تجارت و حمل‌ونقل (۸۶ و ۲/۳۶)، سهولت انجام حمل‌ونقل با

قیمت رقابتی (۱۲۱ و ۲/۴۴)، ظرفیت و کیفیت خدمات پشتیبانی (۶۹ و ۲/۶۵)، امکان ردیابی یا ردگیری محموله‌ها (۱۱۰ و ۲/۵۰) و میزان تحویل به موقع محموله‌ها (۸۵ و ۳/۲۶) بوده است که گویای پایین بودن کلی جایگاه شاخص عملکرد خدمات پشتیبانی تجاری ایران و به تبع آن در هر شش شاخص تشکیل دهنده آن است. حداقل و حداکثر نماگر شاخص مذکور به ترتیب به سهولت انجام حمل و نقل با قیمت رقابتی (۱۲۱ و ۲/۴۴) و ظرفیت و کیفیت خدمات پشتیبانی (۶۹ و ۲/۶۵) تعلق داشته که گویای دامنه پراکنش و توزیع نامتوازن رتبه و امتیاز نماگرهای خدمات پشتیبانی تجاری ایران است.

جدول شماره ۱. نتایج اجزای شش‌گانه شاخص خدمات پشتیبانی کشورهای منطقه سند چشم‌انداز در سال ۲۰۱۰

رتبه	اقتصاد	امتیاز کل		گمرک		زیرساخت		حمل و نقل بین‌المللی		رقابت و کیفیت پشتیبانی		ردیابی و ردگیری		تحویل به موقع	
		رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز
۲۴	امارات	۲۱	۳۶۳	۱۷	۳۴۹	۱۴	۳۸۱	۲۷	۳۴۸	۲۸	۳۵۳	۲۸	۳۵۸	۳۳	۳۹۴
۳۱	رژیم صهیونیستی	۳۵	۳۴۱	۳۵	۳۱۲	۲۴	۳۶۰	۴۲	۳۱۷	۲۸	۳۵۰	۳۸	۳۳۹	۴۶	۳۷۷
۳۹	ترکیه	۴۶	۲۱۲	۳۹	۲۸۲	۳۹	۳۰۸	۴۴	۲۱۵	۳۷	۳۲۳	۵۶	۳۰۹	۳۱	۳۹۴
۴۰	عربستان	۴۳	۳۲۲	۳۳	۲۹۱	۳۳	۳۲۷	۸۲	۲۸۰	۳۲	۳۳۳	۴۲	۳۳۲	۴۵	۳۷۸
۸۹	آذربایجان	۱۱۷	۲۶۴	۱۰۴	۲۱۴	۱۰۴	۲۲۳	۵۵	۳۰۵	۹۱	۲۴۸	۹۱	۲۶۵	۱۰۰	۳۱۵
۱۰۳	ایران	۱۰۶	۲۵۷	۸۶	۲۲۲	۸۶	۲۳۶	۱۲۱	۲۴۴	۶۹	۲۶۵	۱۱۰	۲۵۰	۸۵	۳۲۶
۱۱۰	پاکستان	۱۳۴	۲۵۳	۱۲۰	۲۰۵	۱۲۰	۲۰۸	۶۶	۲۹۱	۱۲۰	۲۲۸	۹۳	۲۶۴	۱۱۰	۳۰۸

Source: (World Bank, 2010:28-31)

ب- در این میان، سه نماگری که شدیداً ارزش عددی و رتبه شاخص خدمات پشتیبانی تجاری ایران را کاهش داده‌اند به ترتیب عبارتند از: سهولت انجام حمل و نقل با قیمت رقابتی (۱۲۱ و ۲/۴۴)، امکان ردیابی یا ردگیری محموله‌ها (۱۱۰ و ۲/۵۰)، و کارآمدی فرایند ترخیص گمرکی (۱۰۶ و ۲/۲۲). در مقابل، سه نماگری که در بهبود شاخص ترکیبی خدمات پشتیبانی تجاری مؤثر بوده‌اند، شامل ظرفیت و کیفیت خدمات پشتیبانی (۶۹ و ۲/۶۵)، میزان تحویل بموقع محموله‌ها (۸۵ و ۳/۲۶) و کیفیت زیرساخت‌های تجارت و حمل و نقل (۸۶ و ۲/۳۶) بوده است.

ج- بدین ترتیب نتیجه می‌شود که مهم‌ترین نقصان و ضعف در شاخص ترکیبی خدمات پشتیبانی تجاری در حوزه سهولت انجام حمل و نقل با قیمت رقابتی، امکان

ردیابی یا ردگیری محموله‌ها و کارامدی فرایند ترخیص گمرکی است. در حالی که در سه حوزه ظرفیت و کیفیت خدمات پشتیبانی، کیفیت زیرساخت‌های تجارت و حمل‌ونقل، و میزان تحویل به‌موقع محموله‌ها، وضعیت چندان ضعیف نبوده است؛ به عبارتی، با همین ظرفیت و زیرساخت‌های خدمات تجاری، با بازتخصیص بهینه در سه حوزه سهولت انجام حمل‌ونقل با قیمت رقابتی، امکان ردیابی یا ردگیری محموله‌ها و کارامدی فرایند ترخیص گمرکی امکان ارتقای رتبه ایران در شاخص خدمات تجاری تا ۱۵ رتبه (از ۱۰۳ به زیر ۸۷) میسر است.

۳. شاخص‌های بخش واقعی اقتصاد کشورهای منطقه سند چشم‌انداز و ایران
شاخص‌های اقتصادی منتخب متشکل از متغیرهای بخش واقعی اقتصاد در دو حوزه عملکرد و ساختار اقتصادی کشورها بر اساس اطلاعات قابل دسترس هستند. شاخص‌های ارزیابی اقتصادی ایران در منطقه در چارچوب سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ و ارزیابی جایگاه اقتصاد منطقه‌ای ایران با محوریت شاخص‌ها و متغیرهای بخش واقعی اقتصاد در میان کشورهای منتخب منطقه سند چشم‌انداز برای سال‌های ۲۰۰۸-۱۹۹۰ به شرح زیر گردآوری و مورد تحلیل قرار گرفته است.

۳-۱. عملکرد اقتصادی:

با هدف ارزیابی عملکرد اقتصادی کشورهای منطقه، تولید ناخالص داخلی و سرانه (بر حسب میلیارد دلار آمریکا و دلار به (پی.پی.پی) و متوسط نرخ رشد سالانه آن طی مقطع زمانی ۲۰۰۷-۱۹۹۰ و بالاترین ارزش تولید ناخالص داخلی سرانه برای سه دهه گذشته و بالاخره متوسط تغییر سالانه شاخص قیمت مصرف‌کننده برای دو مقطع زمانی ۲۰۰۷-۱۹۹۰ و ۲۰۰۷-۲۰۰۶ به‌عنوان شاخص نرخ تورم برای کشورهای منطقه و ایران در جدول ۲، درج شده است. در ادامه به سبب اهمیت این شاخص‌ها، هریک از آنها با تفصیل بیشتری بررسی شده است.

۳-۱-۱. تولید ناخالص داخلی:

ساده‌ترین شاخصی که می‌توان به‌عنوان معیاری برای قدرت اقتصادی کشورها استفاده کرد، اندازه تولید ناخالص داخلی کشورها است. مضافاً، وقتی کشورها از

نظر اندازه تولید ناخالص داخلی (جی.دی.پی)^۱ به هم نزدیک‌تر باشند، امکان تجارت بین آنها و همگرایی منطقه‌ای افزایش می‌یابد (حسینی، ۱۳۹۰، ۱۹۴-۲۰۰). مطابق اطلاعات، ارزش تولید ناخالص داخلی کشورهای منطقه، در چهار گروه دسته‌بندی شده است:

الف- اقتصادهای بزرگ منطقه: در این دسته، کشورهای قرار دارند که ارزش تولید ناخالص داخلی بالای ۴۰۰ میلیارد دلار برحسب پی.پی.پی و یا بیش از نیم درصد از تولید ناخالص جهانی را در سال ۲۰۰۷ دارند. در این دسته، اقتصادهای بزرگ منطقه به ترتیب شامل ترکیه (با ۹۵۷/۲ میلیارد دلار معادل ۱/۴۷ درصد تولید ناخالص جهان)، ایران (با ۷۷۸/۰ میلیارد دلار معادل ۱/۲۰ درصد)، عربستان سعودی (با ۵۵۴/۱ میلیارد دلار معادل ۰/۸۵ درصد) و پاکستان (با ۴۰۵/۶ میلیارد دلار معادل ۰/۶۲ درصد) است.

ب- اقتصادهای متوسط: در این دسته، کشورهای قرار دارند که ارزش تولید ناخالص داخلی بالای ۱۲۵ میلیارد دلار برحسب پی.پی.پی و یا بیش از ۰/۲۰ درصد از تولید ناخالص جهانی را در سال ۲۰۰۷ دارند. در این دسته نیز سه اقتصاد رژیم صهیونیستی (با ۱۸۸/۹ میلیارد دلار معادل ۰/۲۹ درصد از تولید ناخالص جهانی)، قزاقستان (با ۱۶۸/۲ میلیارد دلار معادل ۰/۲۶ درصد) و امارات متحده عربی (با ۱۶۳/۳ میلیارد دلار معادل ۰/۳۵ درصد) قرار دارند.

ج- اقتصادهای نسبتاً کوچک: در این دسته، کشورهای قرار دارند که ارزش تولید ناخالص داخلی کمتر از ۱۲۵ میلیارد دلار برحسب پی.پی.پی و بیش از ۰/۱ درصد از تولید ناخالص جهانی را در سال ۲۰۰۷ دارند. در این دسته، شش اقتصاد منطقه شامل کویت، سوریه، آذربایجان، ازبکستان، عمان و قطر قرار دارند.

د- اقتصادهای کوچک: در این دسته، کشورهای قرار دارند که ارزش تولید ناخالص داخلی کمتر از ۵۰ میلیارد دلار و یا کمتر از ۰/۱ درصد از تولید ناخالص جهانی را در سال ۲۰۰۷ دارند. بقیه اقتصادهای منطقه از جمله لبنان، افغانستان، بحرین، اردن، ترکمنستان، گرجستان، ارمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان در زمره اقتصادهای کوچک قرار دارند.

1. Gross Domestic Product (GDP)

۲-۱-۳. تولید ناخالص داخلی سرانه بر اساس پی.پی.پی.

تولید ناخالص داخلی سرانه را می‌توان از دو نظر بررسی کرد: نخست ضابطه و معیار توسعه اقتصادی کشورها است (که معیار مناسبی برای مشخص کردن اوضاع اقتصادی مردم آن کشور است و می‌تواند تا حدودی قدرت خرید، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را نشان دهد) و دوم تولید سرانه که در واقع همان درآمد سرانه است و از این نظر، قدرت بالفعل تولید سالانه اقتصادی برای هر یک از افراد کشور را نشان می‌دهد. این امر موجب جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی خواهد شد که بازار داخلی را هدف قرار داده‌اند. تولید ناخالص داخلی سرانه کشورهای منطقه در سال ۲۰۰۷، در پنج گروه دسته‌بندی شده است. (۵)

الف - اقتصادهای با رفاه بالا (هم‌ردیف اقتصادهای توسعه‌یافته): در این دسته، کشورهایی قرار دارند که برای آنها تولید ناخالص داخلی سرانه بر حسب پی.پی.پی. در سال ۲۰۰۷، بالای ۲۰ هزار دلار می‌باشد. در این دسته، پنج کشور شامل رژیم صهیونیستی، امارات متحده عربی، بحرین، قطر و کویت با بیش از ۲۰ هزار دلار قرار دارند. هر پنج اقتصاد مذکور از لحاظ وسعت کوچک، و قسمت اعظم فعالیت‌های اقتصادی امارات متحده عربی، بحرین، قطر و کویت، متکی بر نفت خام است، اما رژیم صهیونیستی جزء کشورهای توسعه‌یافته صنعتی محسوب می‌شود.

ب - اقتصادهای با رفاه متوسط به بالا (بالتر از متوسط جهانی): در این دسته، کشورهایی قرار دارند که تولید ناخالص داخلی سرانه کمتر از ۲۰ هزار دلار و بالای ۸ هزار دلار بر حسب پی.پی.پی. در سال ۲۰۰۷ داشته‌اند. در این دسته، تنها سه کشور عربستان سعودی، عمان و ترکیه قرار دارند. ترکیه در چند سال اخیر توانسته رفاه سرانه را ارتقا دهد و در زمره اقتصادهای بالاتر از متوسط رفاه جهانی قرار گیرد.

ج - اقتصادهای با رفاه متوسط (کمتر از متوسط جهانی و بالاتر از ۳۵۰۰ دلار): در این دسته، چهار اقتصاد قزاقستان، آذربایجان، ایران و لبنان قرار دارند. از این چهار کشور، قزاقستان و آذربایجان در چند سال گذشته توانسته‌اند به‌نحو چشمگیری درآمد سرانه را بهبود دهند. تا چند سال گذشته دو کشور ترکیه و ایران از لحاظ درآمد سرانه در یک سطح قرار داشتند، اما به‌سبب نرخ رشد درآمد سرانه

بالاتر ترکیه در مقایسه با ایران، رفاه سرانه ترکیه (۸۸۷۷ دلار) به بیش از دو برابر رفاه سرانه ایران (۴۰۲۸ دلار) معادل ۲۲۰ درصد بهبود یافته است.

د- اقتصادهای با رفاه متوسط به پایین: در این دسته، کشورهای قرار دارند که تولید ناخالص داخلی سرانه آنها در سال ۲۰۰۷، کمتر از ۳۵۰۰ دلار و بیش از ۱۰۰۰ دلار برحسب پی.پی.پی بوده است. در این دسته، هفت کشور شامل ارمنستان (۳۰۵۹ دلار)، اردن (۲۷۶۹ دلار)، ترکمنستان (۲۶۰۶ دلار)، گرجستان (۲۳۱۳ دلار)، سوریه (۱۸۹۸ دلار) و یمن (۱۰۰۶ دلار) قرار دارند.

ه- اقتصادهای با رفاه نازل (هم‌سطح کشورهای با کمترین درجه توسعه یافتگی): در این دسته، کشورهای قرار دارند که تولید ناخالص داخلی سرانه آنها در سال ۲۰۰۷، کمتر از یک هزار دلار برحسب پی.پی.پی بوده است. در این دسته، پاکستان، تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان قرار دارند.

از مقایسه نتایج تولید ناخالص داخلی کشورها با تولید ناخالص داخلی سرانه آنها- هفت اقتصاد بزرگ و نسبتاً بزرگ منطقه (ترکیه، ایران، عربستان سعودی، پاکستان، رژیم صهیونیستی، قزاقستان و امارات متحده عربی) و هشت کشور با رفاه سرانه بالا و نسبتاً بالا (رژیم صهیونیستی، امارات متحده عربی، بحرین، قطر و کویت عربستان سعودی، عمان و ترکیه) در منطقه- نتیجه می‌شود که تنها چهار کشور ترکیه، عربستان سعودی، رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی توأمان در هر دو شاخص مذکور رتبه بهتری را احراز نموده‌اند و در این میان پاکستان، ایران و قزاقستان با وجود اندازه اقتصاد بزرگ در منطقه، رفاه سرانه بالایی ندارند و همین‌طور چهار اقتصاد بحرین، قطر، کویت و عمان با وجود درآمد سرانه بالای منطقه، در زمره اقتصادهای بزرگ منطقه محسوب نمی‌شوند. همان‌گونه که در بالا گفته شد تا چندی پیش، اقتصاد ترکیه و ایران از نظر دو شاخص مذکور هم‌ردیف بودند، اما در این چند سال، ترکیه در هر دو شاخص از ایران پیشی گرفته است؛ به طوری که هم‌اینک درآمد سرانه ترکیه به بیش از دو برابر درآمد سرانه ایران افزایش یافته است.

۳-۱-۳. رشد تولید ناخالص داخلی سرانه بر اساس پی.پی.پی.

رشد اقتصادی پدیده‌ای کمی است و نتیجه آن ازدیاد میزان تولید واقعی است و در شرایط ثابت بودن جمعیت، رشد تولید سرانه، معیار اندازه‌گیری آن محسوب می‌شود. مطابق اطلاعات آماری جدول ۳، ارزش تولید ناخالص داخلی سرانه کشورهای منطقه در فاصله سال‌های ۲۰۰۷-۱۹۹۰ در پنج گروه دسته‌بندی شده است:

الف- اقتصادهای با رشد بالا: در این دسته، کشورهایی قرار دارند که متوسط رشد تولید ناخالص داخلی سرانه بر حسب پی.پی.پی طی ۱۹۹۰-۲۰۰۷، بیش از ده درصد است. در این دسته، هیچ‌کدام از کشورهای منطقه قرار ندارند.

ب- اقتصادهای با رشد متوسط به بالا: در این دسته، کشورهایی قرار دارند که متوسط رشد تولید ناخالص داخلی سرانه بر حسب پی.پی.پی طی ۱۹۹۰-۲۰۰۷، بیش از پنج درصد بوده است. در این دسته، تنها ارمنستان قرار دارد.

ج- اقتصادهای با رشد متوسط (هم‌سطح متوسط نرخ رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه بیش از دو درصد): در این دسته، کشورهایی هستند که متوسط رشد تولید ناخالص داخلی سرانه طی ۱۹۹۰-۲۰۰۷، کمتر از پنج درصد و بیش از دو درصد است. در این دسته نیز اقتصادهای قزاقستان، لبنان، عمان، آذربایجان، ایران، ترکیه و بحرین قرار دارند.

جدول شماره ۲. عملکرد اقتصادی کشورهای منطقه سند چشم‌انداز در سال ۲۰۰۷

ضریب جینی	تولید ناخالص داخلی		رشد سرانه		تولید ناخالص داخلی سرانه		متوسط نرخ رشد شاخص	
	میلیارد دلار	PPP میلیارد دلار	درصد	دلار	دلار	سال	۱۹۹۰-۲۰۰۷	۲۰۰۶-۲۰۰۷
..	۵۴۵۸۳/۸	۶۴۹۰۹/۷	۱/۶	۸۲۵۷
۳۶/۵	۳۱/۲	۶۷/۲	۲/۹	۳۶۵۲	۷۸۵۱	۲۰۰۷	۵۲/۱	۱۶/۷
۳۸/۳	۲۸۶/۱	۷۷۸/۰	۲/۵	۴۰۲۸	۱۰۹۵۵	۲۰۰۷	۲۰/۱	۱۷/۲
۳۳/۹	۱۰۴/۹	۱۶۸/۲	۳/۲	۶۷۷۲	۱۰۸۶۳	۲۰۰۷	۲۴/۳	۱۰/۸
۳۱/۲	۱۴۲/۹	۴۰۵/۶	۱/۶	۸۷۹	۲۴۹۶	۲۰۰۷	۷/۳	۷/۶
..	۳۸۱/۷	۵۵۴/۱	۰/۳	۱۵۸۰۰	۳۶۶۳۷	۱۹۸۰	۰/۵	۴/۲
۴۳/۲	۶۵۵/۹	۹۵۷/۲	۲/۲	۸۸۷۷	۱۲۹۵۵	۲۰۰۷	۵۶/۵	۸/۸
..	۱۶۳/۳	۲۲۶/۱	--/۱	۳۸۴۳۶	۱۰۱۰۵۷	۱۹۸۰
۳۹/۲	۱۶۴/۰	۱۸۸/۹	۱/۷	۲۲۸۳۵	۲۶۳۱۵	۲۰۰۷	۵/۷	۰/۵

Source: (UNDP, 2008: 331-33)



د- اقتصادهای با رشد هم‌سطح رشد اقتصاد جهانی (۱/۶ درصد): در این دسته، کشورهایی قرار دارند که متوسط رشد تولید طی ۲۰۰۷-۱۹۹۰، کمتر از ۲ و بیش از ۱ درصد است. در این دسته، نه کشور منطقه قرار دارند.

ه- اقتصادهای با رشد پایین و منفی: در این دسته، کشورهایی قرار دارند که متوسط رشد تولید ناخالص داخلی سرانه طی ۲۰۰۷-۱۹۹۰، کمتر از ۱ درصد (و حتی منفی) بوده است. در این دسته، چهار کشور قرار دارند.

۳-۱-۳. نرخ تورم

دو ستون آخر جدول ۳، نرخ تورم را در کشورهای منطقه و ایران برای سال‌های ۲۰۰۷-۱۹۹۰ و ۲۰۰۷-۲۰۰۶ نشان می‌دهد که سطح عمومی قیمت‌های مصرفی در فاصله ۲۰۰۷-۱۹۹۰ در آذربایجان، ترکیه، ارمنستان، قزاقستان و ایران رشد شتابان و بی‌رویه‌ای (عدد دو رقمی) داشته‌اند و اما پیوسته آهنگ رشد قیمت‌ها برای بسیاری از این کشورها ملایم‌تر شده است. گفتنی است با وجود کاهش آهنگ رشد قیمت‌ها برای بسیاری از اقتصادهای منطقه، همچنان رقم آن برای ایران دو رقمی و در مقایسه با کشورهای منطقه بالاست.

۳-۱-۴. توزیع درآمد

در میان کشورهای منطقه، بهترین توزیع درآمد از آن پاکستان با ضریب جینی برابر با ۳۱/۲ و بدترین توزیع درآمد نیز از آن ترکیه با ضریب جینی برابر با ۴۳/۲ بوده است. در این میان اکثر کشورهای منتخب آسیای مرکزی و قفقاز از لحاظ توزیع درآمد، وضعیت نسبتاً مطلوبی داشته‌اند و هرچند قرائن و شواهدی دال بر وخامت آن برای برخی از آن کشورها وجود دارد. توزیع درآمد در ایران با ضریب جینی برابر، ۳۸/۳ وضعیت چندان مطلوبی ندارد.

۳-۲. ساختار اقتصادی کشورهای منتخب منطقه سند چشم‌انداز

ساختار اقتصادی یا تولید ناخالص داخلی بر حسب نوع هزینه‌ها و بخش‌های اقتصادی کشورهای منطقه قابل تبیین است. متغیرهای ساختار هزینه‌ای اقتصاد شامل متغیرهای مصرف نهایی (اعم از مصرف نهایی دولت و خانوارها)، تشکیل سرمایه

ناخالص و خالص تجارت (صادرات منهای واردات) بوده است. اما ساختار بخش‌های اقتصادی متشکل از ارزش افزوده کشاورزی، صنایع کارخانه‌ای و خدمات است.

۳-۲-۱. مصرف نهایی دولت و خانوارها

مطابق بررسی‌ها، طی دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۰، حدود ۱۷ درصد تولید ناخالص جهانی توسط دولت و نزدیک ۶۰ درصد تولید ناخالص جهانی توسط خانوارها مصرف مصرف شده است. حال آن که در کشورهای منطقه طی ۲۰۰۶-۱۹۹۰، بالاترین سهم مصرف نهایی دولتی به جی.دی.پی به میزان ۲۷/۹ درصد از آن عراق و کمترین آن به رقم ۶/۴ درصد به پاکستان تعلق دارد. همچنین، بالاترین سهم مصرف نهایی خانوارها به جی.دی.پی به میزان ۱۲۱/۱ درصد از آن افغانستان و کمترین آن به رقم ۳۵/۶ درصد به آذربایجان تعلق دارد. بدین ترتیب در اکثر کشورهای نفتی سهم مخارج دولتی از تولید ناخالص داخلی بیشترین، و نیز در اقتصادهای با درآمد سرانه نسبتاً بالا و با انگیزش لازم برای سرمایه‌گذاری، سهم مخارج خانوارها از تولید ناخالص داخلی در کمترین میزان ممکن است.

۳-۲-۲. سهم ارزش افزوده صنایع کارخانه‌ای از تولید ناخالص داخلی

در ادامه معرفی‌نماگری از ساختار اقتصادی کشورها، که به‌عنوان شاخص توسعه‌یافتگی اقتصاد، به‌ویژه توسعه صنعتی آن باشد، «سهم ارزش افزوده صنایع کارخانه‌ای از جی.دی.پی کشورهای منطقه برای سال‌های ۱۹۹۰، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ انتخاب و تحلیل شده است. سهم بخش‌های اقتصادی، به‌ویژه صنایع کارخانه‌ای از جی.دی.پی، شاخص توسعه صنعتی مهمی است که در این میان برخی اقتصادهای منطقه هم‌ردیف اقتصادهای صنعتی از وضعیت مطلوبی برخوردارند (۶)، سهم ارزش افزوده صنایع کارخانه‌ای از جی.دی.پی کشورهای منطقه، در سه گروه قابل دسته‌بندی است:

الف- اقتصادهای صنعتی شده (هم‌ردیف اقتصادهای صنعتی): در این دسته، کشورهایی قرار دارند که سهم ارزش افزوده صنایع کارخانه‌ای از جی.دی.پی بالای ۲۰ است. در این دسته، تنها اقتصاد ترکیه، قرار دارد.



ب- اقتصادهای عمدتاً صنعتی شده (هم‌ردیف اقتصادهای در حال توسعه): در این دسته، کشورهای قرار دارند که سهم ارزش افزوده صنایع کارخانه‌ای از جی.دی.پی، کمتر از ۲۰ و بیش از ۱۵ درصد است. در این دسته نیز سه کشور رژیم صهیونیستی، پاکستان و ازبکستان قرار دارند.

ج- اقتصادهای صنعتی متوسط: در این دسته، کشورهای قرار دارند که سهم ارزش افزوده صنایع کارخانه‌ای از جی.دی.پی، کمتر از ۱۵ و بیش از ۱۰ درصد است. در این دسته نیز کشورهای قزاقستان، لبنان و ایران قرار دارند.

د- اقتصادهای صنعتی شده پایین: در این دسته، کشورهای قرار دارند که سهم صنایع کارخانه‌ای از جی.دی.پی، کمتر از ۱۰ درصد است. در این دسته، بقیه کشورهای منطقه به تعداد هفت کشور از جمله آذربایجان و عربستان سعودی قرار دارد. بدین ترتیب در بین کشورهای منطقه، ترکیه به لحاظ سهم محصولات صنایع کارخانه‌ای، موقعیت مناسبی در میان کشورهای منطقه دارد و ایران بر مبنای این شاخص رتبه مناسبی ندارد.

۳-۲-۳. نسبت تشکیل سرمایه ناخالص به تولید ناخالص داخلی

از متغیرهای مهم اقتصاد کلان، «سهم تشکیل سرمایه ناخالص از جی.دی.پی» است که هر چه این معیار بالاتر باشد، حکایت از آن دارد که آن کشور توانسته در توسعه تلاش مضاعفی نماید. مطابق اطلاعات آماری جدول ۳، سهم تشکیل سرمایه ناخالص از جی.دی.پی کشورهای منطقه برای سال‌های ۱۹۹۰، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفته است که می‌توان به شرح زیر در چهار دسته، برای سال ۲۰۰۶ جمع‌بندی کرد:

الف- اقتصادهای با سهم بالای تشکیل سرمایه ناخالص از جی.دی.پی: در این دسته کشورها، سهم تشکیل سرمایه ناخالص از جی.دی.پی بالای ۲۵ درصد است. در این دسته، کشورهای آذربایجان، قزاقستان و ایران قرار دارد.

ب- اقتصادهای با سهم متوسط به بالای تشکیل سرمایه ناخالص از جی.دی.پی: در این دسته، کشورهای قرار دارند که سهم تشکیل سرمایه ناخالص از جی.دی.پی کمتر از ۲۵ و بیش از ۲۰ درصد است. در این دسته نیز کشورهای

ترکیه، قزاقستان، لبنان، عراق، پاکستان، ازبکستان و امارات متحده قرار دارند.
 ج- اقتصادهای با سهم تشکیل سرمایه ناخالص از جی.دی.پی متوسط: در این دسته، کشورهایی قرار دارند که سهم تشکیل سرمایه ناخالص از جی.دی.پی کمتر از ۲۰ و بیش از ۱۰ درصد است. در این دسته نیز کشورهای عربستان سعودی، سوریه، رژیم صهیونیستی و افغانستان قرار دارند.

د- اقتصادهای با سهم تشکیل سرمایه ناخالص از جی.دی.پی پایین: در این دسته، کشورهایی قرار دارند که سهم تشکیل سرمایه ناخالص از جی.دی.پی کمتر از ۱۰ است. هیچ کشوری از منطقه در این دسته قرار ندارد.

۴. شاخص‌های بخش خارجی اقتصاد کشورهای منتخب منطقه سند چشم‌انداز و ایران

در ادامه به بررسی مهم‌ترین شاخص‌های بخش خارجی اقتصاد کشورهای منتخب منطقه سند چشم‌انداز و مقایسه این شاخص‌ها با وضعیت ایران پرداخته می‌شود.

۴-۱. شاخص تجارت خارجی

بررسی اندازه صادرات و واردات یکایک کشورهای منطقه و سهم آنها از صادرات و واردات جهانی، نشان می‌دهد که عربستان، امارات، ترکیه و ایران، بالاترین اندازه تجارت را به خود اختصاص داده‌اند و در مقابل، اندازه تجارت بسیاری از کشورهای منطقه نازل است. طی سال‌های ۲۰۰۶-۱۹۹۵، سیزده کشور منطقه از جمله آذربایجان، قزاقستان، پاکستان، ترکیه، امارات و رژیم صهیونیستی توانسته‌اند ارزش مبادلات تجاری را به بیش از ۵۰ درصد افزایش دهند. برخی کشورهای منطقه با بهبود مازاد تجاری طی سال‌های اخیر مواجه بوده‌اند که این بهبود، بیشتر متأثر از افزایش قیمت نفت بوده است. بحران جهانی در سال‌های اخیر تجارت خارجی تمام کشورها را کاهش داده است؛ با این حال، منطقه همواره با مازاد تجاری طی سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۶ مواجه و رقم آن روبه افزایش بوده است. در این دوره، آهنگ رشد تجارت منطقه به مراتب بیشتر از آهنگ رشد تجارت جهانی بود. اقتصادهایی که بالاترین بخش خارجی اقتصاد را طی دوره احراز کرده‌اند، به شرح زیر می‌باشند:

الف - اقتصادهای منطقه که بالاترین میزان ارزش صادرات را به‌طور متوسط طی ۲۰۰۶-۱۹۹۵ داشته‌اند به‌ترتیب شامل عربستان، امارات، ترکیه، ایران، رژیم صهیونیستی و کویت می‌باشد. در این بین، عربستان سعودی در صدر کشورهای منطقه قرار گرفته است؛ حال آنکه ایران رتبه چهارم را در میان ۲۶ کشور منطقه احراز نموده است.

ب - اقتصادهای منطقه که بالاترین متوسط ارزش واردات را طی دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۵ داشته‌اند شامل ترکیه، امارات، عربستان، رژیم صهیونیستی، ایران و پاکستان می‌شود. در بین کشورهای منطقه، ترکیه با بالاترین واردات در صدر کشورهای منطقه سند چشم‌انداز قرار گرفته است؛ حال آنکه ایران رتبه چهارم را احراز نموده است.

ج - اقتصادهای منطقه که به‌طور متوسط بالاترین میزان ارزش (مازاد) تراز تجاری را طی دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۵ داشته‌اند عبارتند از: عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کویت، قطر، ایران و عمان. در بین کشورهای منطقه، عربستان سعودی در صدر کشورهای منطقه قرار گرفته است. عربستان به‌سبب حضور بلامنازع در بازار جهانی نفت و درآمدهای سرشار نفتی، رتبه اول را بین کشورهای منطقه دارد؛ حال آن که ایران رتبه چهارم کشورهای منطقه را احراز نموده است.

۲-۴. شاخص ساختار تجارت

بررسی اقلام کالاهای صادراتی منتخب (۵۰ قلم از مهم‌ترین کالاهای صادراتی) کشورهای مورد بحث حکایت از آن دارد که سهم چشمگیری از صادرات بسیاری از این کشورها را مواد معدنی (نظیر نفت خام و فرآورده‌های آن) تشکیل می‌دهد و محصولات صنایع کارخانه‌ای و مواد غذایی در مقام بعدی قرار دارند. به‌این ترتیب، محصولات صنایع کارخانه‌ای بخش ناچیز و کالاهای خام اولیه بخش اصلی صادرات این کشورها را تشکیل می‌دهد. با دقت در اطلاعات آماری می‌توان نتیجه گرفت که طی دوره مورد بررسی، تحولات خاصی در ساختار کالایی این کشورها اتفاق نیفتاده و ساختار صادراتی هیچ‌کدام از کشورها، به‌طور محسوسی متحول نشده و سهم محصولات صنایع کارخانه‌ای از صادرات کالا رو به افزایش نگذاشته

است. سهم صادرات مواد اولیه از کل صادرات کالایی کشورهای منطقه رقم بالایی بوده است؛ حال آنکه سهم قابل ملاحظه‌ای از واردات کالایی این کشورها، محصولات صنایع کارخانه‌ای است. در جدول ۳، ساختار صادراتی کشورهای منتخب و نخستین گروه کالای صادراتی، منبع موجد مزیت و سهم کشوری و جهانی آنها برای سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۰۶ درج شده است. بادقت در آن، می‌توان نتیجه گرفت که:

الف- نزدیک به نیمی از صادرات کشورهای مورد بحث طی دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۵، نفت خام و روغن‌های قیری است و در واقع عمده تولید جهانی این سوخت در این منطقه تمرکز دارد. در این میان، عربستان سعودی حدود ۱۸ درصد از صادرات نفت خام جهان را تأمین می‌کند و کشورهای ایران، امارات متحده، کویت و قطر در مراتب بعدی قرار دارند. گفتنی است که نخستین گروه کالای صادراتی پاکستان مواد نساجی آماده (۱/۱۹ و ۶۵/۹) و ترکیه سایر مواد پوشاک (۵/۵ و ۴/۳۵) می‌باشد (اعداد داخل پرانتز سهم کشوری و جهانی گروه کالاهای عمده است).

ب- نخستین گروه کالایی بسیاری از کشورهای منطقه، نفت خام است و تنها تعداد معدودی از این کشورها از جمله ترکیه و پاکستان توانسته‌اند صادرات محصولات صنایع کارخانه‌ای و سهم آن از کل صادرات را افزایش دهند. در این میان، نخستین گروه کالایی صادراتی ایران با حدود ۸۰ درصد از کل صادرات، به سوخت‌ها تعلق دارد که در واقع تک‌محصولی بودن شدید صادرات کشور را نشان می‌دهد. اما عمده واردات ایران به گروه کالاهای صنعتی به ترتیب شامل ماشین‌آلات و وسایل نقلیه، سایر کالاهای صنعتی و تولیدات شیمیایی تعلق دارد. طی دو سال اخیر، سهم مواد غذایی در واردات ایران رو به کاهش و سهم مواد غذایی در صادرات ایران رو به افزایش گذاشته است.

جدول شماره ۳. ساختار تولیدات صادراتی کشورهای منتخب سند چشم‌انداز طی سال‌های ۲۰۰۶-۱۹۹۵
(ارقام به میلیون دلار و درصد)

شرح	ارزش کل (میلیون دلار)	کل غذا	مواد خام کشاورزی	سبزیجات و میوه‌ها	فلزات و کانی‌ها	محصولات صنایع کارخانه‌ای			نخستین گروه کالای صادراتی و سهم کشوری و جهانی آن
						ماشین‌آلات و تجهیزات حمل‌ونقل	سایر کالاها	محصولات شیمیایی	
آذربایجان	۱۹۹۵	۶۳۱	۴۳	۸۳	۱۲	۶۶۴	۷۶	۵۶	نفت خام و نفت
	۲۰۰۰	۱۷۴۵	۳۲	۲۴	۲۹	۸۵۱	۳۶	۰۹	قیری (۵۶۶ و ۰,۳۶)
	۲۰۰۶	۶۳۷۲	۵۰	۰,۷	۳,۸	۸۴۶	۱,۹	۱,۷	
ایران	۱۹۹۵	۱۸۳۶۰	۳۶	۱,۰	۰,۶	۸۵,۸	۰,۳	۶,۹	نفت خام و روغن
	۲۰۰۰	۲۸۳۳۵	۲,۹	۰,۴	۰,۸	۸۸,۹	۰,۵	۵,۴	قیری (۷۹,۹ و ۵,۸۷)
	۲۰۰۶	۶۳۲۴۷	۴,۳	۰,۳	۲,۴	۸۳,۳	۱,۲	۵,۲	
قزاقستان	۱۹۹۵	۵۲۲۷	۹,۹	۲,۸	۲۴,۱	۲۵,۰	۱۰,۳	۲۱,۹	نفت خام و روغن‌های قیری
	۲۰۰۰	۸۷۸۹	۶,۸	۱,۴	۲۱,۷	۵۲,۰	۱,۱	۱۳,۲	روغن‌های قیری (۲,۴۴ و ۶۲,۰)
	۲۰۰۶	۳۸۳۴۴	۲,۸	۰,۶	۱۶,۸	۶۸,۷	۲,۷	۶,۶	
پاکستان	۱۹۹۵	۸۱۵۸	۱۱,۸	۳,۸	۱,۰	۱,۰	۰,۷	۸۱,۸	مواد نساجی آماده
	۲۰۰۰	۹۲۰۱	۱۰,۵	۲,۹	۱,۴	۱,۴	۱,۰	۸۲,۱	(۱۹,۱ و ۹,۶۵)
	۲۰۰۶	۱۶۹۳۳	۱۱,۸	۱,۲	۵,۰	۵,۰	۲,۶	۷۶,۸	
عربستان	۱۹۹۵	۴۹۰۳۰	۰,۹	۰,۱	۸۶,۸	۰,۱	۸,۴	۲,۲	نفت خام و روغن‌های قیری
	۲۰۰۰	۷۷۴۸۰	۰,۶	۰,۱	۹۱,۵	۰,۲	۵,۴	۱,۵	روغن‌های قیری (۱۷,۸۳ و ۷۶,۴)
	۲۰۰۶	۲۱۱۳۰۶	۰,۷	۰,۱	۸۹,۲	۰,۵	۵,۷	۱,۹	
ترکیه	۱۹۹۵	۲۱۵۹۹	۱۹,۶	۱,۵	۱,۳	۱,۳	۴,۱	۵۹,۱	سایر مواد پوشاک
	۲۰۰۰	۲۷۴۸۵	۱۲,۸	۱,۱	۱,۱	۱,۱	۳,۹	۵۶,۸	(۴,۳۵ و ۵,۵)
	۲۰۰۶	۸۵۵۲۶	۶,۷	۰,۳	۰,۲	۱,۸	۱,۷	۳۱,۷	
امارات	۱۹۹۵	۲۷۷۵۳	۳,۴	۰,۳	۷۱,۸	۰,۳	۲,۹	۹,۱	نفت خام و روغن‌های قیری
	۲۰۰۰	۳۷۷۲۰	۳,۰	۰,۲	۷۶,۲	۰,۲	۱,۲	۹,۰	روغن‌های قیری (۵,۶۵ و ۳۷,۱)
	۲۰۰۶	۱۴۰۳۱۶	۲,۵	۰,۲	۵۱,۳	۰,۲	۲,۳	۷,۱	
رژیم صهیونیستی	۱۹۹۵	۱۹۰۴۷	۵,۴	۱,۸	۰,۰	۰,۰	۳۱,۶	۱۷,۴	جواهر و سنگ‌های قیمتی
	۲۰۰۰	۳۱۴۰۷	۲,۶	۱,۱	۰,۷	۰,۷	۳۱,۹	۱۵,۰	سنگ‌های قیمتی (۱۷,۳۶ و ۳۶,۰)
	۲۰۰۶	۴۶۷۹۲	۲,۴	۰,۷	۰,۱	۰,۱	۳۵,۸	۱۲,۹	

Sources: (UNCTAD, HandBook of Statistics, 2008)

ج- شاخص تمرکز صادرات کشورهای منطقه سند چشم‌انداز، طی دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۵ نسبتاً بالاست، (۷) شاخص تمرکز کالایی صادرات کشورهای منطقه در مقایسه با ایران پایین است که در واقع تنوع‌پذیری کالاهای صادراتی کشورهای منطقه در مقایسه با تمرکز بالای صادرات کالایی ایران را نشان می‌دهد؛ البته کشورهای منطقه در راستای

1. Concentration Index



متنوع کردن کالاهای وارداتی موفق بوده‌اند و بازار (تقاضای وارداتی) این کشورها جاذب بسیاری از کالای وارداتی بوده و استعداد این بازار برای توسعه مبادلات درون‌گروهی به شرط امکان تأمین کالای مورد نیاز از ایران زیاد است.

۳-۴. شاخص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

سهام هر کشور در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند مشخص‌کننده میزان همگونی ساختار تولید یک کشور با ساختار تولید جهانی باشد؛ چرا که هدف سرمایه‌گذار جذب سود بلندمدت از طریق مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی در سطح کلان است. توسعه سرمایه‌گذاری خارجی در داخل یک کشور نشان‌دهنده انعکاس اطمینان سرمایه‌گذاران خارجی به شرایط تولیدی و تداوم اصلاح ساختار اقتصادی آن کشور است و به‌طور هم‌زمان شکل‌گیری سرمایه‌گذاری در آن کشور نیز در راستای مشارکت در جهانی‌شدن اقتصاد و همچنین انجام اصلاحات ساختاری خواهد بود. وجود بزرگ‌ترین منابع نفت و گاز، انواع فلزات معدنی، دسترسی به منابع آبی نسبتاً مناسب و آب‌وهوای متنوع، کشورهای جنوب غرب آسیا را از موقعیتی ممتاز برخوردار کرده است. اما این کشورها، با وجود توانایی‌های بالقوه، در گذشته پیشرفت چشمگیری نداشته‌اند. اغلب این کشورها، تأمین‌کننده مواد اولیه برای کشورهای صنعتی قلمداد می‌شوند. پایین‌بودن سطح فناوری در بسیاری از این کشورها با فقر سرمایه‌گذاری همراه بوده است. کشورهای صنعتی، مهم‌ترین سرمایه‌گذاران در این کشورها هستند. این کشورها به‌دلایلی نظیر مهیا نبودن زیرساخت‌های ضروری لازم برای سرمایه‌گذاران خارجی، نازل بودن سطح فناوری و وجود موانع اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فنی همواره کمترین میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی را دارند. البته در چند سال اخیر تحولات توسعه‌ای، به‌ویژه در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در برخی کشورهای منطقه مشهود است. بر اساس گزارش آنکتاد (۲۰۰۹)، ده کشور توسعه‌یافته صنعتی بالاترین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در جهان به خود اختصاص داده‌اند و هیچ‌کدام از کشورهای منطقه در میان ده کشور در حال توسعه با بالاترین سرمایه‌گذاری مستقیم قرار ندارد.

جریان و انباشت ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی طی دوره مورد بررسی برای کشورهای منتخب سند چشم‌انداز در جدول ۴ درج شده است. مطابق اطلاعات آن جدول، برخی کشورهای مورد مطالعه شامل شش کشور افغانستان، قرقیزستان، کویت، ازبکستان و یمن، سهمی در حد صفر درصد از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی دارند. در این میان، پنج کشور عربستان، امارات، رژیم صهیونیستی، قزاقستان و ترکیه بالاترین میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی را در سال ۲۰۰۸ به دست آورده‌اند. در یک ارزیابی کلی باید گفت که هرچند مطابق شاخص عملکرد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی هیچ‌کدام از کشورهای منطقه در ۱۰ کشور برتر قرار ندارند و حتی برخی از کشورهای منطقه پایین‌ترین عملکرد در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارند، منتهی پنج کشور عربستان، امارات متحده، رژیم صهیونیستی، قزاقستان و ترکیه، نه تنها بالاترین جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در منطقه احراز کرده‌اند، بلکه در فاصله سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۱، عملکرد خود را در این انباشت بهبود داده‌اند. (۸) مطابق اطلاعات جدول ۴، انباشت ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهان از ۱۹۴۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ به ۵۷۵۷/۴ و ۱۴۹۰۹/۳ میلیارد دلار در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۸ پیوسته روبه فزونی گذاشته است که شاخص عملکرد انباشت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سال ۲۰۰۸ نسبت به ۲۰۰۰ رقم ۲۵۹ درصد است که در واقع نشان می‌دهد در این فاصله، به بیش از ۲/۵ برابر رسیده است که این شرایط کماکان برای کشورهای در حال توسعه نیز موضوعیت دارد. اقتصادهای غرب آسیا از شرایط انفعالی و رکود خارج شده‌اند و در یک دهه گذشته توانسته‌اند رشد شتابانی در انباشت سرمایه‌گذاری خارجی تجربه کنند؛ برای مثال، اقتصادهای غرب آسیا در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰، میزان انباشت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را از ۴۴ میلیارد دلار به ۶۶ میلیارد دلار ارتقا داده‌اند (حدود ۵۰ درصد)، اما از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸، میزان انباشت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از ۶۶/۵ میلیارد دلار به ۳۶۳ میلیارد دلار؛ یعنی نزدیک ۵/۵ برابر (۵۴۵/۹ درصد) رسیده است که افزایش چشمگیری را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴. جریان و انباشت ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای منتخب منطقه سند

چشم‌انداز طی دوره ۲۰۰۳-۸

جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (اف.دی.آی) در کشورهای منطقه سند چشم‌انداز طی دوره ۲۰۰۳-۸												
کشور و مناطق	جریان ورودی اف.دی.آی به میلیارد دلار											
	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸
جهان	۵۵۷/۸۷	۷۱۰/۷۶	۹۱۶/۲۸	۱۴۶۱/۰۷	۱۹۷۸/۸۴	۱۶۹۷/۳۵	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
درحال توسعه	۱۷۵/۱۴	۲۷۵/۰۳	۳۳۴/۲۹	۴۳۳/۷۶	۵۲۹/۳۴	۶۲۰/۷۳	۰/۵	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸
غرب آسیا	۱۲/۳۱	۱۸/۵۸	۳۴/۴۶	۶۷/۶۳	۷۷/۶۱	۹۰/۲۶	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸
آذربایجان	۳/۲۹	۳/۵۶	۱/۶۸	-۰/۶۰	-۴/۸۲	+۰/۰۱	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸
مصر	۰/۲۴	۲/۱۶	۵/۳۸	۱۱/۱۴	۱۹/۹۶	۶۰/۰۰	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸
ایران	۰/۴۸	۰/۱۰	۰/۰۳	۱/۶۳	۱/۶۶	۱/۴۹	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸
قزاقستان	۲/۰۹	۴/۱۱	۱/۷۴	۶/۲۸	۱۱/۱۳	۱۴/۵۴	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸
پاکستان	۰/۵۳	۱/۱۲	۲/۱۸	۴/۲۷	۵/۵۹	۵/۴۴	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸
عربستان	۰/۷۸	۱/۹۴	۴/۶۳	۱۸/۲۹	۳۴/۳۱	۳۸/۲۲	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸
ترکیه	۱/۷۵	۲/۸۴	۹/۶۸	۲۰/۱۹	۲۲/۰۵	۱۸/۲۰	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸
امارات	۴/۲۶	۸/۳۶	۱۲	۱۲/۸۱	۱۴/۱۹	۱۳/۷۰	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸
رژیم صهیونیستی	۳/۹۴	۱/۷۵	۵/۵۹	۴/۴۸	۲۲/۵۶	۵۷/۴۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸
انباشت ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (اف.دی.آی) در کشورهای منطقه سند چشم‌انداز (میلیارد دلار)												
شرح	ارزش			سهم	شاخص عملکرد*							
	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۸									
جهان	۱۹۴۲/۲۱	۵۷۵۷/۳۶	۱۴۹۰۹/۲۹	۱۰۰	۲۵۸/۹۶							
درحال توسعه	۵۲۹/۵۹	۱۷۳۶/۱۷	۴۲۷۵/۹۸	۲۷/۲۷	۲۴۶/۲۹							
غرب آسیا	۴۳/۸۳	۶۶/۴۹	۳۶۲/۵۶	۲/۲۶	۵۴۵/۲۸							
آذربایجان	..	۳/۷۴	۶/۶۱	..	۱۷۶/۷۳							
مصر	۱۱/۰۴	۱۹/۹۶	۶۰/۰۰	۰/۵۷	۳۰۰/۷۵							
ایران	۲/۰۴	۲/۶۰	۲۰/۸۱	۰/۱۱	۷۹۷/۳۲							
قزاقستان	..	۱۰/۰۸	۵۸/۲۸	..	۵۷۸/۱۷							
پاکستان	۱/۸۹	۶/۹۲	۳۱/۰۶	۰/۱۰	۴۴۸/۸۴							
عربستان	۲/۸۹	۱۷/۵۸	۱۱۴/۲۸	۱/۱۳	۶۵۰/۰۶							
ترکیه	۱۱/۱۹	۱۹/۲۰	۶۹/۸۷	۰/۵۸	۲۶۲/۹۱							
امارات	۰/۷۵	۱/۰۷	۶۹/۴۲	۰/۰۴	۶۴۸۷/۸۵							
رژیم صهیونیستی	۴/۴۸	۲۲/۵۶	۵۷/۴۸	۰/۲۳	۲۵۴/۷۹							

Sources: (UNCTAD, World Investment Report, 2006-9)

* در اینجا منظور از شاخص عملکرد، نسبت انباشت ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۰۸ به سال ۲۰۰۰ می‌باشد.

طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸، عربستان، ترکیه، امارات، رژیم صهیونیستی و قزاقستان، رشد زیادی در انباشت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته و به ترتیب رتبه‌های ۱ تا ۵ را از آن خود کرده‌اند. میزان انباشت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی این کشورها عبارت است از: عربستان از ۱۷/۶ میلیارد دلار به ۱۱۴/۳ میلیارد دلار با ۱۱/۵ برابر؛ ترکیه از ۱۹/۲ میلیارد دلار به ۶۹/۸۷ میلیارد دلار با ۳/۶ برابر؛ امارات از ۱/۱ میلیارد دلار به ۶۹/۴ میلیارد دلار با ۶۴/۹ برابر؛ رژیم صهیونیستی از ۲۲/۶ میلیارد دلار به ۵۷/۵ میلیارد دلار با ۲/۵ برابر؛ و قزاقستان از ۱۰ میلیارد دلار به ۵۸/۳ میلیارد دلار با ۵/۸ برابر. این کشورها قسمت اعظم میزان انباشت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کشورهای منتخب را در اختیار دارند. در این بین ایران طی سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۰۰ تغییر محسوسی در انباشت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را تجربه نکرد، اما طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ تحرک خوبی در انباشت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را شاهد بوده است؛ به طوری که میزان انباشت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از ۲/۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۲۰/۸ میلیارد دلار (نزدیک ۸ برابر)، به رتبه دهم منطقه رسیده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در پاسخ به پرسش اصلی کلیدی مقاله حاضر که آیا همگرایی اقتصادی منطقه‌ای با تحولات توسعه‌ای کشورهای منتخب منطقه سند چشم‌انداز همسو بوده است و اینکه چه میزان تحولات توسعه‌ای کشورها از همگرایی اقتصادی منطقه‌ای متأثر بوده است؟ باید گفت که هرچند امروزه سطوح متفاوتی از هم‌پیوندی اقتصادی منطقه‌ای در مناطق مختلف جهان تجربه می‌شود، اما در منطقه‌ای که ایران واقع شده است، با وجود حضور دو تشکل اقتصادی منطقه‌ای «سازمان همکاری اقتصادی» و «شورای همکاری خلیج فارس» که بالقوه می‌توانند شرکای طبیعی تجاری ایران قلمداد شوند، هر دو تشکل، به‌ویژه سازمان همکاری اقتصادی اکو در سطوح پایین منطقه‌گرایی قرار دارد. در واقع به دلایلی آن‌گونه که انتظار نمی‌رفت، شکاف تاریخی عمیقی در هم‌پیوندی اقتصادی منطقه‌ای با محوریت ایران مشاهده می‌شود. برخی از کشورهای همجوار ایران با درک صحیح واقعیت‌ها، حداکثر بهره‌برداری از امکانات

و منابع منطقه‌ای و بین‌المللی را نصیب خود کرده و توانسته‌اند در اندک زمانی به تحولات توسعه‌ای مناسبی دست یابند. به‌عبارتی تحولات توسعه‌ای کشورهای منتخب منطقه سند چشم‌انداز چندان متأثر از همگرایی اقتصادی منطقه‌ای نبوده است. در واقع هنوز همپیوندی اقتصادی منطقه‌ای با محوریت ایران که بر شاخص‌های توسعه‌ای اثرگذار باشد، در منطقه شکل نگرفته است. در واقع کشورهای منطقه سند چشم‌انداز در سطوح بسیار پایین منطقه‌گرایی قرار دارند تا آثار و پیامدهای توسعه‌ای کشوری را شاهد باشیم.

مطالعات تطبیقی سه دسته شاخص‌های محیطی، بخش واقعی اقتصاد و حوزه تجارت خارجی ایران و کشورهای منتخب منطقه نشان می‌دهد با وجود امکانات، ظرفیت‌ها، پتانسیل‌ها و فرصت‌های تاریخی اقتصادی ایران در منطقه، اقتصاد ایران از این قابلیت‌ها سود کافی نبرده است. همچنین، تاکنون ترتیبات منطقه‌ای واقع در منطقه پیرامون ایران در تحولات توسعه‌ای اعم از محیطی، زیرساختی، اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری خارجی با محوریت ایران، کارنامه موفقیت‌آمیزی نداشته است. هرچند که مقتضیات جهانی و منطقه‌ای و شرایط ویژه جغرافیایی سبب شده که کشورهای منطقه، بستر مناسبی را برای همکاری در قالب منطقه‌گرایی فراهم نمایند، لکن به‌رغم تلاش‌های این کشورها در همپیوندی منطقه‌ای طی چند دهه گذشته، متأسفانه دستاوردها با انتظارات و توانایی‌های کشورهای منطقه فاصله داشته و این وضعیت برای هیچ‌کدام از کشورهای منطقه راضی‌کننده نیست و ضرورت دارد تلاش‌های بیشتری برای گسترش همکاری‌های اقتصادی و تجارت درون منطقه‌ای به‌عمل آید. البته افق‌های امیدبخش زیادی برای ارتقای همکاری بین اعضا وجود دارد که توسعه تجارت یکی از این اولویت‌ها است. این امر می‌تواند در افزایش سطح زندگی مردم منطقه تأثیر زیادی داشته باشد. اعضا برای گسترش تجارت درون منطقه‌ای باید برای رفع موانع تجاری موجود از جمله تکمیل و تسهیل قوانین و مقررات تجاری همت گمارند. همچنین ضرورت بازننگری در برنامه‌ها و طرح‌های گذشته به‌منظور برنامه‌ریزی برای آینده، مقدم شمردن مبادلات درون منطقه‌ای، اتخاذ تدابیری برای مشارکت فعال بخش خصوصی در پیشبرد طرح‌ها و فعالیت‌های سازمان، ضرورت تدوین تفاهم‌نامه‌ای در مورد استانداردسازی

حساب‌های ملی و اجرای آن از سوی کشورهای منطقه از جمله پیشنهاداتی است که برای فعال‌شدن منطقه می‌توان برشمرد. علاوه بر این توسعه گردشگری در سطح منطقه، بهره‌گیری از تجربیات و همکاری مؤثر ترییات منطقه‌ای و بین‌المللی، ایجاد شبکه حمل‌ونقل بین‌المللی و ترانزیت نیز از محورهای مهم است.

سرانجام ناگفته نماند که با وجود تأکید سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و برنامه چهارم توسعه مبنی بر اینکه که اقتصاد ایران باید در تعامل با اقتصاد جهانی قرار گرفته و به ارتقای محیط اقتصادی و توسعه فضای رقابتی و متعاقباً توسعه همه‌جانبه اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری اقدام نماید، متأسفانه در چند سال اخیر، به‌ویژه طی نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ کارنامه موفقیت‌آمیزی را شاهد نیستیم. در همین راستا باید به ارتقای رقابت‌پذیری به‌منظور بهره‌مندی از فرصت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی گام‌های اساسی برداشت و در این خصوص به‌منظور گسترش بازارها در منطقه و شکل‌گیری مبادلات تجاری منطقه‌ای و بین‌المللی، سیاست‌هایی نظیر همکاری در روابط تجارت خارجی با هدف گسترش پیوندهای منطقه‌ای و جهانی، رفع موانع و محدودیت‌های تجاری غیرتعرفه‌ای و برقراری نظام تعرفه‌ای مناسب و ایجاد تسهیلات اداری، گمرکی، زیرساختی و قضایی برای تسهیل تجارت خارجی پیش‌بینی شده است. در پایان، نکات و توصیه‌های سیاستگذارانه زیر را می‌توان ارائه کرد:

در عصر وابستگی متقابل و جهانی شدن، یکی از بهترین راه‌های رویاروی کشورها برای تعدیل فشار جهانی شدن و در عین حال آماده شدن تدریجی برای ادغام در اقتصاد جهانی، همگرایی اقتصادی منطقه‌ای است. به‌دلیل حساسیت دولت‌ها نسبت به حاکمیت ملی خود و در نتیجه شکست طرح‌های سیاسی بلندپروازانه برای تحقق وحدت سیاسی در گذشته، این کشورها بهتر است از تکیه بر مسائل سیاسی خودداری کرده و به همکاری‌های اقتصادی و کارکردی به‌عنوان گام اول در همگرایی روی آورند.

این کشورها با ایجاد و ارتقای همگرایی اقتصادی بین‌یکدیگر، باید بکوشند تا به مزایای آن از جمله صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس بزرگ تولید، ایجاد و گسترش تجارت، دستیابی به قدرت رقابت و تنوع صادراتی بیشتر، گسترش همکاری‌های

علمی و فنی، افزایش قدرت چانه‌زنی گروهی در سطح جهانی و... دست یابند. این کشورها برای دستیابی به مزایای همگرایی اقتصادی در شرایط جهانی شدن اقتصاد می‌توانند به اقدامات زیر همت گمارند: نخست اینکه، این کشورها با تشویق سرمایه‌گذاری‌های مشترک می‌توانند از صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس بزرگ تولید استفاده کرده و مزیت‌های نسبی جدیدی به‌وجود آورند که این امر، علاوه‌بر رفع نیازهای داخلی و گسترش تجارت درون گروهی، قدرت رقابت کالاهای آنها را در بازارهای جهانی در فرایند جهانی شدن ارتقا می‌دهد. دوم اینکه، این کشورها باید در سرمایه‌گذاری‌های جدید، به اصلاح ساختار تجاری خود توجه کرده و این سرمایه‌گذاری‌ها را به‌سوی افزایش تنوع صادراتی با تکیه بر تولید کالاهایی با ارزش‌افزوده بیشتر در سطح جهانی سوق دهند. سوم اینکه، این کشورها با آزادسازی و تسهیل تجاری و اعطای امتیازات تجاری و ترجیحات تعرفه‌ای به یکدیگر به‌گسترش درون‌گروهی کمک‌کنند تا از آثار منفی پدیده جهانی‌شدن کمتر آسیب بینند.

البته انجام اقدامات بالا به سازوکارهای اجرایی و ترتیبات نهادی جدید و فعالی نیاز دارد که بدون آنها این اقدامات عقیم می‌ماند. در واقع، پیشبرد برنامه‌ریزی‌شده فرایند همگرایی تا نیل به اهداف‌نهایی آن احتیاج به هماهنگی در سیاست‌گذاری اعضا در کلیه مراحل همگرایی دارد و سرانجام، این کشورها در برنامه‌ریزی‌های خود در طول فرایند همگرایی باید مرحله بعد از آن؛ یعنی ادغام در اقتصاد جهانی را هم در نظر داشته و همراه با پیشبرد فرایند همگرایی، با کسب قدرت لازم، خود را برای مرحله بعد از آن هم آماده سازند.

یادداشت‌ها

۱. ترتیبات تجارت ترجیحی براساس مصوبه «شرط توانمندسازی» [Enabling clause] (۱۹۷۹) برای کشورهای در حال توسعه عضو سازمان جهانی تجارت به‌منظور تشویق تجارت جنوب - جنوب مجاز شمرده شده است. کشورهای توسعه یافته مکلف هستند ترتیبات تجاری منطقه‌ای خود را با ضوابط ماده ۲۴ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) که شرایط سخت‌تری را اعمال می‌نماید، منطبق سازند.
۲. در نظریه پورتر، استاندارد زندگی یک ملت در بلندمدت به توانایی آن در دستیابی به سطح بالایی از بهره‌وری در صنایعی بستگی دارد که بنگاه‌ها در آن رقابت می‌کنند. در این نظریه، سیاست‌های اقتصاد کلان و بستر سیاسی، برای تضمین شکوفایی اقتصادی کافی نیست. مهم‌تر از همه، شالوده‌های توسعه‌ای اقتصاد خرد است که در روش‌های عملیاتی و استراتژی‌های بنگاه و نیز در محیط کسب‌وکار، زیرساخت‌ها و نهادهایی ریشه دارد که شکل‌دهنده محیط رقابت بنگاه‌هاست.
۳. شاخص مجمع جهانی اقتصاد (WEF): مفهوم توان رقابت در سطح اقتصاد ملی، بر دو عنصر اصلی تکیه دارد؛ نخست روند مستمر رشد بهره‌وری در اقتصاد و دیگر رشد سهم اقتصاد ملی در اقتصاد جهانی که البته هر دو اینها، باید بهبود شاخص‌های رفاه عمومی را در پی داشته باشند. سطح توان رقابت یک اقتصاد با استفاده از شاخص ترکیبی معیارهای اصلی مربوط، ارزیابی می‌شود. شاخص توان رقابت اقتصاد ملی می‌تواند به‌عنوان یکی از بهترین نماگرهای توان اقتصاد ملی در عرصه رقابت جهانی شناسایی و محور قرار گیرد.
۴. البته برخی از این کشورها نظیر بحرین، عمان، کویت، قطر، امارات و لبنان از یک اقتصاد باز و نسبتاً کوچک برخوردار هستند.
۵. مطابق تقسیم‌بندی بانک جهانی، کشورهای با سطح درآمد سرانه کمتر از ۷۴۵ دلار، «درآمد پایین»، درآمد سرانه بین ۷۴۶ تا ۲۹۷۵ دلار «درآمد متوسط به پایین»، درآمد سرانه بین ۲۹۷۶ و ۹۲۰۵ درآمد متوسط به بالا، درآمد سرانه بیش از ۹۲۰۶ جزء «درآمد بالا» قرار می‌گیرند.
۶. در مورد برخی کشورها، به‌ویژه کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت، رقم مهمی از صنایع کارخانه‌ای مرتبط با اکتشاف و تولید نفت خام است و در واقع سهم فراوری و محصولات صنایع کارخانه‌ای در جی.دی.پی نازل است، به همین منظور به

شاخص سهم ارزش افزوده صنایع کارخانه‌ای از جی.دی.پی تأکید شده است.

۷. شاخص تمرکز (Concentration Index)، به‌طور بسیار دقیق‌تری ساختار کالایی صادرات کشورها را نشان می‌دهد؛ حال آنکه شاخص تنوع (Diversification Index) به‌طور دقیق‌تری ساختار شرکای تجاری کشورها را که از جنبه تنوع مقایسه می‌شوند، مشخص می‌کند. دامنه هر دو شاخص بین صفر و یک است که رقم یک تمرکز بیش از حد را نشان می‌دهد. میزان اثرپذیری تجارت و درجه آسیب‌پذیری اقتصادها از تحولات بازار جهانی را می‌توان از طریق محاسبه شاخص تمرکز و تنوع تجاری دانست و به اصلاح آن از طریق سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه اقدام کرد. این امر برای اقتصادهای تک‌محصولی جهت تغییر در روند جریان مبادلات تجاری و به‌ویژه توسعه و تنوع کیفی صادرات و شناسایی بازارهای جدیدتر برای کاهش درجه آسیب‌پذیری اهمیت بیشتری می‌یابد.

۸. ترکیه در بین کشورهای منتخب سند چشم‌انداز، اولویت‌زبادی به تشویق سرمایه‌گذاری خارجی داده و انگیزه‌های متعددی را برای سرمایه‌گذاران فراهم نموده است. علاوه بر قانون مبنی بر تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، قوانین دیگری که رقابت و استانداردهای تجاری را حمایت می‌کنند، از تصویب پارلمان گذشته است.



منابع

الف - فارسی

حسینی، میرعبداله (۱۳۹۰)، توسعه روابط تجاری ایران و اتحادیه اروپا، تهران: گروه پژوهشی اقتصاد پژوهشکده تحقیقات راهبردی مرکز تحقیقات استراتژیک حسینی، میرعبداله و همکاران (۱۳۸۴)، آثار ترتیبات تجاری ترجیحی در بین کشورهای عضو اکو بر توسعه تجارت خارجی ایران، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

حسینی، میرعبداله و همکاران (۱۳۹۰)، رقابت‌پذیری اقتصاد ایران و راهکارهای بهبود آن در جهان، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

ب - انگلیسی

<http://www.heritage.org/search>.

IMF (1998), *Direction of Trade Statistics, Year book*, Washington: International Monetary Fund Publications, available at: <http://www.ifm.org>

Sheila Page (2000), *Regionalism among Developing Countries*, London: Macmillan Press LTD. Overseas Development Institute.

UNDP (2000 & 2012), *Human Development Report*.

UNCTAD (1995-2012), *Handbook of International Trade and Development Statiscs*, NewYork: UN Publications, available at: www.UNCTAD.Org.

World Bank (1998), World Development Indicators Database.

WWW. **World Bank.Org**/Data/Country Data

World Trade Organization, *Annual Report* (2004), available at: WWW. WTO. Org.

World Bank (2010-2012), LPI, available at: WWW. **World Bank.Org**.